عملیات
طریق القدس




بسم الله الرحمن الرحیم

عملیات طریق القدس

نویسنده:

مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه

ناشر چاپی:

سپاه پاسداران - واحد مطالعات

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عملیات طریق القدس

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: عملیات طریق القدس: آزادی بستان (طراحی، اجرا، نتایج، بازتاب ها)/ تهیه و آماده سازی مدیریت بهره دهی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

مشخصات نشر: تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: ۶۰ ص.نقشه

شابک: ۹۶۴-۶۳۱۵-۵۴-۴-۲۲۰۰۰ریال؛ ۹۶۴-۶۳۱۵-۵۴-۴-۲۲۰۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی

یادداشت: کتابنامه: ص. [۵۷] - ۵۸؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ -- عملیات طریق القدس

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ -- بستان

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ -- نبردها

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. مدیریت بهره دهی

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

رده بندی کنگره: DSR۱۶۰۷ /ط۴ع ۸ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۲۷۲۱۳

مقدمه

دوران هشت سال دفاع و مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر هجوم نظامی رژیم عراق - که با ترغیب امریکا آغاز شد و با پشتیبانی همه ی قدرت های سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان ادامه یافت - از بارزترین مقاطع حیات حقیقی این مرز و بوم است.

اینک که بیش از پانزده سال از پایان این دوره ی سرنوشت ساز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی می گذرد، تبیین حماسه های عظیم و ارزشمندی که مردم و رزمندگان این سرزمین آفریدند، ضرورت بیشتری پیدا کرده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با درک این رسالت تاریخی، تلاش می کند با بهره گیری از اسناد، مدارک و منابع بی نظیری که راویان و محققان این مرکز در طول جنگ هشت ساله جمع آوری کرده اند، ابعاد مختلف دفاع مقدس را ترسیم نماید.

بی تردید وجود اخبار، گزارش ها، آمارها و اطلاعات معتبر و موثقی که از مراکز طرح ریزی، هدایت و فرماندهی عملیات ها تا میدان نبرد و صحنه های درگیری به

صورت زنـده و واقعی جمع آوری گردیـده بر غنـای آثـار مرکز مطالعـات می افزایـد و زوایـای مختلف و تاریـک جنـگ را با هدف آگاه سازی افکار عمومی روشن می سازد.

مرکز مطالعـات و تحقیقـات جنگ تاکنون مجموعه های متعـددی را درباره ی وقایع جنگ عراق علیه ایران منتشـر کرده است. این مجموعه که گزارش نبردهـای اصـلی رزمنـدگان اسـلام در مقابله با ارتش عراق و هم پیمانانش می باشـد، برای دسترسـی آسان تر و آشنایی بیشتر علاقه مندان و محققان به وقایع این نبرد عظیم است که هر جلد آن

[صفحه ۸]

به یکی از عملیات های اصـلی جمهوری اسـلامی علیه متجاوزان اختصاص دارد و به صورت نسـبتا خلاصه و جمع بنـدی شـده تهیه می شود و شامل شناسـنامه ی عملیات، اوضاع سیاسی و نظامی در آستانه عملیات، طرح ریزی و اجرای عملیات، و نتایج و بازتاب های آن می باشد.

این کتاب با کوشـش مهدی خداوردی خان با اسـتفاده از اسـناد نظامی منتشـر نشده ی مرکز، منابع سیاسـی و کتاب های منتشر شـده ی مرکز مطالعـات از جمله کتـاب «جنـگ بازیابی ثبات» نوشـته محمـد درودیان تهیه شـده است. نظارت کتاب به عهـده حمیـدرضا فراهانی بوده و ویرایش و آماده سازی آن را مهـدی انصاری انجام داده است و بیژن اردوئی آن را حروفچینی کرده است.

امیـد است این کوشـش نـاچیز مـورد رضـای حضـرت حق جـل و علاـ و مـوجب ادای گـوشه ای از حق شـهیدان، جانبـازان و رزمنـدگان این نبرد عظیم و مقتـدایشان حضـرت امـام خمینی شود و مورد اسـتفاده ی جوینـدگان حقایق این واقعه بزرگ قرار گیرد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۲

[صفحه ۹]

شناسنامه عملیات

نام عملیات: طریق القدس

رمز: یا حسین (ع) فرماندهی

منطقه: دشت آزادگان

زمان: ۸ تا ۱۵ / ۹ / ۱۳۶۰

نوع عملیات: گسترده

هدفهای عملیات: آزادسازی شهر بستان و ۷۰ روستای منطقه، رسیدن به مرز

در منطقه شیب و هورالعظیم، قطع ارتباط قوای دشمن مستقر در شمال و جنوب منطقه، انهدام قوای دشمن.

فرماندهی: مشترک (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی).

سازمان عمل کننده: مشترک (سپاه و ارتش)

استعداد نیروهای خودی: ۲۸ گردان پیاده، ۷ گردان زرهی، ۸ گردان مکانیزه.

استعداد نیروهای دشمن: ۲۴ گردان پیاده، ۱۳ گردان زرهی، ۷ گردان مکانیزه، ۱۳ گردان کماندو، ۴ گردان گارد.

شهیدان عملیات: تعداد ۶۷۴ تن از پاسداران و بسیجیان، ۱۲۵ تن از ارتشیان.

نتایج عملیات: دستیابی به همه ی هدف های عملیات.

تلفات عراق: حدود ۳۵۰۰ تن کشته، ۵۰۰۰ تن زخمی، ۵۴۶ نفر اسیر.

خسارات عراق: انهدام ۱۳ فروند هواپیما و ۴ فروند هلی کوپتر، ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو.

غنائم: ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۹ قبضه توپ، ۱۲۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی و ۲۵۰ خودرو، ۳۰ قبضه سلاح ضدهوایی.

[صفحه ۱۱]

مروری بر اوضاع سیاسی و نظامی تا عملیات طریق القدس

تدوین استراتژی آزادسازی

در پی موفقیت عملیات ثامن الائمه (ع) - که در آغاز سال دوم جنگ اجرا شد و مهم ترین تحول نظامی جنگ تا آن زمان بود - زمینه تدوین استراتژی جنگ با هدف آزادسازی مناطق اشغالی فراهم شد. در این حال، تحولات سیاسی که بر روند تحولات نظامی اثر داشت، خود نیز از این تحولات متأثر بود. آثار تحولات سیاسی - نظامی به تدریج در حوزه نظامی نمایان شد؛ از یک سو، با افزایش حضور نیروهای مردمی، سپاه تلاش های جدیدی را برای گسترش سازمان رزم انجام داد و از سوی دیگر، فرماندهان ارتش و سپاه استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی را طرح ریزی کردند. به این ترتیب، به گفته فرمانده کل سپاه پاسداران:

«دو کار اساسی انجام شد: یکی در عملیات و یکی در سازمان دهی. در عملیات، طرح ریزی سلسله وار صورت گرفت، یعنی

در حقیقت استراتژی نظامی شکل گرفت. در سازمان دهی، سپاه رفت به دنبال اینکه یک سازمان رزم برای خودش فراهم کند. این دو از اولین تحولات پس از عملیات ثامن الائمه (ع) است.» [۱] .

در تدوین استراتژی جدید جنگ، دو تجربه ارزشمند که فراروی نیروهای سپاه قرار گرفته بود، نقش داشت: نخست، تشکیل ستاد عملیات جنوب و طرح ریزی عملیات های محدود؛ و دوم، تجربه ی طرح ریزی عملیات ثامن الائمه (ع) و تلاش برای تصویب آن در

[صفحه ۱۲]

شورای عالی دفاع و سپس هماهنگی با برادران ارتش و اجرای آن با ترکیب مشترک بود.

در تدوین این استراتژی، برای طرح ریزی در مرحله جدید، دو اصل در نظر گرفته شد: اول اینکه عملیات ها مسلسل وار و پشت سر هم انجام شود و وقفه آن کوتاه باشد. دوم، در هر عملیاتی که صورت می گیرد دو تا سه برابر عملیات قبلی توان رزمی وارد صحنه شود [۲] .

اهداف مورد نظر در استراتژی جدید که بر پایه ترکیب و هماهنگی ارتش و سپاه تدوین شده بود، [۳] عبارت بودند از:

الف) انهدام نیرو و امکانات ارتش عراق برای کاهش توان نظامی دشمن.

ب) آزادسازی نیروهای خودی از خطوط پدافندی و تمرکز قوا برای اجرای عملیات در سایر مناطق اشغالی.

ج) آمادگی برای حمله نهایی و تعیین کننده به دشمن.

بر اساس اصول و اهداف مذکور، قرار شد ۱۲ طرح تحت عنوان طرح های کربلای ۱ تا ۱۲ [۴] تهیه و برای تصویب نهایی به شورای عالی دفاع ارائه شود [۵] که تنها ۶ طرح آن آماده شد. در واقع، کلیه تحرکاتی که پس از این زمان انجام گرفت، در چارچوب استراتژی جدید و بر پایه طرح های ارائه شده بود.

طرح کربلای ۱، اولین

طرح از استراتژی جدید جنگ بود که با نام عملیات طریق القدس و با تلاش و همکاری سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآمد. در این کتاب قبل از پرداختن

[صفحه ۱۳]

به طراحی و اجرای عملیات طریق القدس، ابتدا نگاهی به دیدگاه محافل سیاسی و خبری درباره ی اوضاع ایران در آستانه عملیات، می شود؛ سپس سابقه نظامی این منطقه عملیاتی، عملیات رزمندگان در این منطقه و آثار آن، علت انتخاب این منطقه برای عملیات و وضعیت دشمن و اقدامات خودی قبل از عملیات بررسی می شود. پس از بیان طراحی عملیات و شرح آن، در زیر عنوان ارزیابی عملیات، عوامل اصلی موفقیت عملیات بررسی می گردد و در پایان نیز بازتاب این عملیات در محافل سیاسی و خبری مرور می شود.

دیدگاه محافل سیاسی و خبری درباره ی وضعیت ایران پس از عملیات ثامن الائمه

بررسی اظهار نظرها، گزارش ها و تحلیل های خبری رسانه های جهان و شخصیت های سیاسی دنیا بعد از پیروزی عملیات ثامن الائمه (ع)، نشان دهنده ی وضعیتی دوگانه از ایران در بیان آنها است. رسانه های غربی به موازات پخش اخبار اقدامات گروه های ضدانقلاب برای جلوگیری از ثبات و بحرانی جلوه دادن اوضاع داخلی، خبر پیروزی نظامی رزمندگان را به صورت کمرنگ منتشر کردند. نحوه انعکاس اخبار جنگ چنان بود که گویی پیروزی های ایران تأثیری بر سرنوشت از قبل تعیین شده جنگ - یعنی شکست ایران - ندارد لذا به رغم اعلام پیروزی نظامی ایران و شکست نظامی عراق در عملیات ثامن الائمه (ع)، اوضاع کلی جنگ را همچنان به عنوان یک بن بست نظامی ارزیابی می کردند و چنین تبلیغ می کردند که تنها تحولات سیاسی که به جابه جایی قدرت در دو کشور و بویژه در ایران منجر شود، می تواند جنگ را از این بن بست رهایی

بخشـد. به بیان دیگر، گرچه شکسـته شـدن حصـر آبادان با وجود ناباوری های اولیه مورد پذیرش محافل سیاسـی و نظامی دنیا قرار گرفت، اما به نظر کارشـناسان نظامی و متحدان عراق این پیروزی به این معنا نبود که روند جدیدی در جنگ آغاز شده و اوضاع به سود ایران تغییر کرده باشد.

[صفحه ۱۴]

در چنین وضـعیتی رسانه ها و محافل سیاسـی – نظامی غرب و متحـدان عراق، چند موضوع را سوژه اصـلی برنامه های خبری و تحلیلی خود قرار دادند تا حوادث جبهه های جنگ را تحت الشعاع قرار دهند:

۱ (شـایعه انحلال ارتش و اعـدام ارتشـیان، ایجـاد بـدبینی بین سـپاه و ارتش: رادیوهای گروه های ضـدانقلاب، بویژه سـلطنت طلبـان، بیشـتر در ایـن زمینـه به دروغ پردازی اقـدام کردنـد تـا نیروهـای ارتش را به نظـام جمهـوری اسـلامی بـدبین کرده و از همکـاری آنها با سـپاه بکاهنـد. رادیو ایران، ارگان سـلطنت طلبان در این باره گفت: «رژیم جمهوری اسـلامی درصـدد اجرای یکی از خائنانه ترین طرح ها در طول حیات خود است، زیرا اکنون آماده می شود که به زودی انحلال ارتش را اعلام و با خلع سلاـح نیروهـای سه گانه مسـلح قانونی، سپاه پاسـداران را به صورت تنها نیروی مسـلح کشور درآورد. به همین منظور طرحی سری تهیه و به مجلس شورا تسـلیم شده که به صورت بسـیار محرمانه مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. بر اساس این طرح قرار است به محض تهیه مقـدمات و ایجـاد آمـادگی لاـزم، یک موافقتنامه صـلح با عراق منعقـد گردد و به جنگ خاتمه داده شود. سپس بلافاصله و در مدت کوتاهی همه ارتشیان مرخص شوند و جایشان به افراد سپاه پاسداران داده شود.» [۱۶] .

همچنین انتشار اخبار کذب درباره اعدام

نیروهـای ارتش بـه ویژه خلبانـان، اقـدام دیگری برای ایجـاد کینـه و سـتیزه جـویی بیـن نیروهـای مسـلح و سـست کردن روحیه نیروهای متعهد ارتش بود. از جمله این نوع تلاش ها، یکی از گزارش های خبرگزاری رویتر است که در آن آمده است: «عده ای از خلبانان به خاطر اتهام مخالفت با رژیم و سرپیچی از دستورات، به جوخه های اعدام کشانده شده اند. این در حالی است که منازل افسران و درجه داران بازنشسته ارتش در روزهای اخیر مورد هجوم و حمله پاسداران قرار گرفته است.» [۱۲] .

۲ (نـاتوانی دولت ایران در اداره حکومت و احتمـال وقوع کودتا، محور دیگر تبلیغات رسانه های غربی بود تا وانمود کننـد که حیات سیاسی جمهوری اسلامی به پایان راه نزدیک شده است. از جمله نشریه

[صفحه ۱۵]

آلمـانی فرانکفورترالگمـانیه نوشت: «ایران کشوری که یکی از بـا ثبـات ترین کشورهـای جهـان بوده و کشورهای جهان برای داشـتن مناسـبات با آن به رقابت با یکدیگر دست می زدند، اکنون به لبه پرتگاه نزدیک شده، زیرا خواست مسئولین حکومتی، یعنی انهدام فرهنگ و اقتصاد و ثبات اجتماعی، می رود تا به صورت وضعی دردناک جلوه کند.» [۱۳] یکی از نشریات وابسته به گروه های ضدانقلاب نیز آرزو می کند که: «در آینده یک دولت مرکزی قوی مانند دولت شاه فقید حتما روی کار خواهد آمد و به وضع ایران سر و سامان خواهد داد.» [۱۴] همچنین برخی نشریات به نقل از بروس لینگن کاردار سفارت سابق امریکا در تهران نوشتند که:

«یـک رژیم جدیـد احتمالاـ به رهبری یـک شـخص ناشـناس که در داخـل ایران از پشتیبـانی ارتش برخوردار است، روی کـار خواهد آمد. این رژیم جدید شدیدا تمایلات ملی و اسلامی داشته و غیر متعهد خواهد

بود.» [۱۵] .

در همین حال نشریه کویت تایمز در تحلیلی از جنگ نوشت: «حکام ایران به خاطر مشغول نگهداشتن ارتش در جبهه ها و در نتیجه حصول اطمینان از اینکه کودتایی احتمالی علیه آنها روی نخواهد داد به ادامه شرایط جنگی علاقه مند هستند.» [۱۶] .

۳ (نقض حقوق بشر موضوع تبلیغاتی دیگری بود که غرب با انتشار اخبار دروغ درصدد خدشه دار کردن وجهه نظام جمهوری اسلامی در افکار عمومی جهان بود. به عنوان نمونه، وزیر دادگستری آلمان در مصاحبه ای گفت: «از اعدام کودکان و اینکه پدران و مادران مجبورند تا فرزندان خود را به مقامات امنیتی معرفی کنند، بسیار رنج می برد.» [۱۲] این در حالی است که رسانه ها و تحلیل گران غربی با نادیده گرفتن اقدامات تروریستی گروه های ضدانقلاب، به ویژه سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، ضمن حمایت از اقدامات تروریستی آنها، تلاش های بازدارنده نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی را برای برقراری امنیت نکوهش کرده و نظام جمهوری اسلامی را به ایجاد

[صفحه ۱۶]

اختناق و سلب آزادی محکوم می کنند. در این خصوص رادیو آلمان با لحنی دلسوزانه ادعا می کند که دولت اسلامی ایران به جهان تصویری مخدوش و وحشتناک از دین جهانی اسلام ارائه می کند. [۱۳] .

همچنین خبرگزاری آسوشیتدپرس، رادیو لندن و روزنامه فرانس سوار در اقدامی همسو ادعا کردند که در ایران مخالفین به طور بی رویه اعدام و اقلیت های مذهبی آزار و اذیت می شوند و این ادعاهای خود را به عنوان مصادیق نقض حقوق بشر اعلام کردند. [۱۴] .

۴ (صلح طلبی عراق و جنگ افروزی ایران، محور دیگر تبلیغات رسانه های خارجی بود که پس از ناکامی عراق در تحقق اهداف خود از حمله به ایران، به طور مستمر ادامه داشت و در

حالی که حدود ۱۵۰۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران در اشغال ارتش عراق بود، از رژیم عراق به عنوان حکومت خواهان صلح یاد می شد و متقابلا ایران را به دلیل ایستادگی برای احقاق حقوق تضییع شده اش و مقاومت برای دفع تجاوز، کشوری جنگ افروز قلمداد می کردند.

۵ (ادعای توسعه طلبی جمهوری اسلامی ایران: این تبلیغات روانی رسانه های خارجی که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی برای ترساندن حکام منطقه شروع شده بود و به مناسبت های مختلف تشدید می شد، در این زمان که ترور انور سادات در مصر به وقوع پیوسته بود، گسترده تر شد و با اتهام زدن به ایران مبنی بر همکاری با تروریست ها در قتل سادات، تبلیغات تازه ای شروع شد. در این باره حسنی مبارک رئیس جمهور مصر در مصاحبه با روزنامه الاهرام اعلام کرد که سازمان تروریستی مسئول قتل انور سادات، درصدد تحقق بخشیدن به انقلابی شبیه انقلاب خمینی در مصر بود. حسنی مبارک در این مصاحبه بارها کلمه خمینی را به کار برد تا به این وسیله عملیات نظامیان حکومتی مصر را به عنوان عملیات هدایت شده از طرف ایران وانمود کند. او بدون ذکر نام کشوری، افزود مدرکی در دست است که تروریست ها از لحاظ مالی از خارج تأمین شده اند. [۱۵] .

رادیو کلن آلمان نیز در تفسیری گفت:«رژیم مذهبی ایران مایل به

[صفحه ۱۷]

توسعه طلبی در منطقه است. ولی دلیل اصلی که چرا کشورهای نفت خیز خلیج فارس رژیم مذهبی ایران را قبول ندارند باید مورد جست و جو قرار گیرد. آنها با وجود آنکه خود کشورهای اسلامی هستند ولی به انقلاب افراطیون و بنیادگرایان ایران به چشم یک حالت و یا جریان فوق العاده نگاه می کنند.» [۱۶] .

(شایعه همکاری ایران با اسرائیل و خرید سلاح از آن، خبرپراکنی درباره کاهش روابط اقتصادی ژاپن با ایران به دلیل بمباران مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن به وسیله هواپیماهای عراقی و عدم تمایل به کار متخصصان صنعتی ژاپن به سبب ناامنی جانی، ادعای گسترش جو نارضایتی در جامعه به ویژه میان قشر کارگر، وجود جنگ قدرت میان تفکر انقلابی و میانه رو در حاکمیت، گسترش دامنه اختلاف داخلی میان احزاب، وجود نابسامانی های اقتصادی در سطح کلان و خرد، از دیگر موضوعات خبری رسانه ها و محافل سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بود که در فاصله دو عملیات ثامن الائمه و طریق القدس به آن پرداخته می شد و این در حالی است که در همین مقطع زمانی هیچ گزارش مهمی که دال بر ضعف های نظامی عراق در برابر توانایی ها و مقاومت رزمندگان ایرانی و یا وجود بسیاری از نابسامانی های اقتصادی در عراق باشد، به چشم نمی خورد.

هجوم ارتش عراق به منطقه دشت آزادگان

هجوم گسترده عراق به استان خوزستان (از موسیان تا خرمشهر) در یک جبهه عریض و تقریبا پیوسته و با نیرویی در حدود ۷ لشکر زرهی و مکانیزه صورت گرفت که با توجه به وضعیت زمین و ارزش های استراتژیکی و تاکتیکی آن سه منطقه عملیاتی متمایز و مشخص در این استان به وجود آورد که از شمال به جنوب عبارت بود از:

۱- منطقه عمومی غرب دزفول و شوش و معبر مواصلاتی مهم و استراتژیک اندیمشک که گلوگاه حیاتی خوزستان به شمار می آید.

۲- منطقه دشت آزادگان که شهرهای حمیدیه، سوسنگرد، بستان و

[صفحه ۱۸]

ده ها روستای بزرگ و مناطق حاصلخیز و وسیع کشاورزی در آن قرار دارد.

۳- منطقه جنوب غربی اهواز تا اروندرود شامل شهرهای مهم

اهواز، خرمشهر، آبادان و دیگر نقاط این منطقه که دارای اهمیت استراتژیک است.

هر یک از مناطق سه گانه فوق، برای نیروهای جمهوری اسلامی هدف های مهم عملیاتی جهت بیرون راندن نیروهای متجاوز عراقی بودند. این مناطق از نظر وسعت، هدف استعداد و گسترش نیروهای دشمن، وضعیت متفاوتی داشتند.

واحدهای رزمی ارتش عراق که در پی اهداف تاکتیکی و استراتژیکی خود تمام مناطق غربی استان خوزستان را از شمال تا جنوب و در عمق زیاد هدف هجوم قرار دادند، در بخش میانی این جبهه در پی تحقق اهداف زیر بودند:

۱- ایجاد خط پیوسته ای در سراسر نقاط مورد هجوم، طوری که تأمین و پدافند آن با حداقل توان میسر باشد.

۲- تهدید اهواز (مرکز خوزستان) از سمت غرب و از محور بستان - سوسنگرد - اهواز یا حمیدیه - اهواز.

۳- تصرف شهرهای عرب زبان بستان، سوسنگرد و حمیدیه و مناطق پرارزش و حاصلخیز دشت آزادگان.

۴- دور نگاه داشتن عماره عراق از دسترس نیروهای نظامی ایران.

ارتش عراق برای تصرف اهواز و نهایتا اشغال خوزستان می بایست دشت آزادگان را پشت سر می گذاشت و با تصرف سوسنگرد و منطقه جنوب هویزه، اهواز را از غرب و جنوب مورد تهدید قرار می داد. در چنین وضعیتی، جاده بستان - سوسنگرد - اهواز بهترین مسیر تدارکات رسانی به نیروهای اشغالگر بود. وسعت منطقه ایجاب می کرد که دشمن توان قابل توجهی وارد عمل کند. هر چند عراقی ها به لحاظ پیش فرض های غلط خود مبنی بر استقبال مردم بومی از اقدام تجاوزکارانه آنها، نمی پنداشتند با مشکل چندانی روبرو شوند.

[صفحه ۱۹]

همچنین وجود هورالهویزه عملا قوای تجاوزگر را تجزیه می کرد. بدین سبب لشکر ۹ زرهی ارتش عراق - که مأموریت

اشغال دشت آزادگان و محاصره اهواز از سمت غرب را عهده دار بود – مجبور شد با دو فرماندهی مستقل، از دو محور کاملا مجزا به این منطقه هجوم بیاورد:

محور اول: تنگه چزابه – بستان – سوسنگرد

جاده چزابه – بستان – سوسنگرد از نظر نظامی محوری مهم به حساب می آید. در عین حال وجود رود کرخه که این محور را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده است نیز اهمیت بسیاری دارد، زیرا بخش شمالی باز و قابل گسترش است؛ اما به جهت رملی بودن بسیاری از زمین های آن، وضعیتی دشوار را بر نیروهای نظامی تحمیل می کند. در جنوب کرخه نیز وجود رودخانه های فرعی نسبتا عریض سبب تجزیه نیروهای نظامی می شود. ضمن آنکه اشغال قطعی و مطمئن سوسنگرد مستلزم در اختیار داشتن هر دو زمین می باشد که این مهم نیز با عبور از کرخه میسر خواهد شد.

محور دوم: طلاییه – جفیر – کرخه کور

این منطقه دشت وسیعی است که از غرب به هورالهویزه، از شرق به رود کارون و از شمال به رود کرخه محدود می شود. اگر چه این منطقه به دلیل فقدان هرگونه عارضه طبیعی برای حرکت و مانور قوای زرهی بسیار مناسب می باشد، لیکن هورالهویزه، کرخه کور و کارون سه مانع بزرگ است که میزان پیشروی نیروهای مهاجم را محدود می کند. [۱۷] .

در چهارمین روز جنگ، دشمن حرکت خود را از محور دوم (طلاییه به سمت جفیر و از کوشک به سمت پادگان حمید) آغاز کرد و قسمتی از جاده اهواز – خرمشهر را مسدود کرد. در محور چزابه نیز نیروهای عراقی به سوی بستان پیشروی کردند و با شکستن مقاومت مدافعان اندک

آن به کمک عناصر ضدانقلاب، به این شهر نفوذ کردند.

تلاش مدافعان بستان و تخریب پل بستان در پنجمین روز

[صفحه ۲۰]

جنگ (۴ / ۷ / ۱۳۵۹) نتوانست از پیشروی نیروهای دشمن جلوگیری کند و به این ترتیب بستان اشغال شد و نیروهای عراقی سپس به سوی تپه های الله اکبر و پل سابله پیش آمدند.

عملیات های رزمندگان در منطقه قبل از نبرد طریق القدس

پس از هجوم سراسری ارتش عراق و پیشروی یگان هایی از آن در منطقه دشت آزادگان تا آغاز عملیات طریق القدس که چهارده ماه طول کشید، نیروهای خودی عملیات متعددی را با هدف های مختلف از جمله عقب راندن، انهدام نیرو و فرسایش دشمن، دستیابی به زمین های مناسب پدافندی، ایجاد شکاف در جبهه پیوسته دشمن و خارج شدن از حالت تدافعی، در منطقه اجرا کردند که علاوه بر نیل به هدف های تعیین شده یا بخشی از آن، تجاربی کسب کردند که زمینه ساز عملیات بزرگ طریق القدس بود. مهم ترین این عملیات ها عبارتند از:

۱- عملیات «غیور اصلی»، در این عملیات ۲۸ تن از پاسداران سپاه اهواز در بامداد ۹ / ۷ / ۱۳۵۹ در جاده حمیدیه - سوسنگرد به قوای زرهی دشمن که به سوی اهواز پیش می آمدند، یورش بردند و دشمن را درهم کوبیدند و سپس با کمک نیروهایی از لشکر ۹۲ و هوانیروز، دشمن را تا نزدیک مرز تعقیب و سوسنگرد و بستان را آزاد کردند.

۲- عملیات ۲ گردان از لشکر ۹۲ ارتش، ۲ گردان از سپاه پاسداران و ۱ گردان از ستاد جنگ های نامنظم در تاریخ ۲۶ / ۸ / ۱۳۵۹ که با هدف درهم شکستن محاصره سوسنگرد با موفقیت به اجرا درآمد.

۳- عملیات نصر که با تلاش لشکر ۱۶ زرهی ارتش و همکاری

۲ گردان از سپاه در تاریخ ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۵۹، در مرحله اول با هدف پاکسازی شمال کرخه کور و پیشروی به سوی پادگان حمید و تصرف آن به اجرا درآمد، که به رغم موفقیت روز اول نبرد و انهدام یک تیپ مکانیزه دشمن، در ادامه با پاتک های سنگین نیروهای عراقی مواجه شد و موفقیتی در پی نداشت.

۴- عملیات امام علی در تاریخ ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۰ با هدف آزادسازی

[صفحه ۲۱]

ارتفاعات الله اکبر در شمال کرخه، آزادسازی بستان و ایجاد شکاف در خطوط دشمن، با تلاش مشترک ارتش، سپاه و ستاد جنگ های نامنظم اجرا شد. در این عملیات بخشی از مناطق اشغالی آزاد شد و قسمتی از قوای دشمن منهدم گردید، اما پیشروی به سوی بستان به علت کمبود نیرو میسر نشد.

۵- عملیات شهید چمران را تیپ ۳ زرهی لشکر ۱۶ ارتش با کمک مؤثر نیروهای ستاد جنگ های نامنظم و سپاه پاسداران در روز ۵ / ۵ / ۱۳۶۰ در دو محور طراح و حمودی سعدون انجام دادند که طی چهار مرحله عملیات موفق گردیدند نیروهای متجاوز عراقی را از پشت طراح تا پشت رودخانه کرخه کور عقب رانده و بخشی از قوای دشمن را منهدم نمایند.

۶- در تاریخ ۱۱ / ۶ / ۱۳۶۰ با هدف آزادسازی غرب سوسنگرد و شهر بستان، با تلاش مشترک لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی ارتش و دو گردان از سپاه و ستاد جنگ های نامنظم، عملیاتی در دو محور اجرا شد. در مراحل اولیه رزمندگان ابتکار عمل را به دست گرفته و موفق به انهدام نیرو و تجهیزات بسیاری از دشمن شدند و پس از مقداری پیشروی

با مقاومت شدید دشمن مواجه شدند، لذا ادامه پیشروی به سوی بستان میسر نشد.

تأثیر عملیات های خودی بر شیوه پدافندی عراق

پس از اجرای چند عملیات رزمندگان در منطقه دشت آزادگان، با توجه به اهمیت منطقه، ارتش عراق به تحکیم مواضع، ایجاد موانع متعدد و استحکامات به شرح زیر اقدام کرد:

الف) شمال کرخه: یگان های عراقی در شمال رودخانه کرخه، در غرب ارتفاعات الله اکبر و غرب سوسنگرد و از کناره رودخانه در حوالی دهکده جابر حمدان تا تپه ماهورهای رملی و غیر قابل عبور دامنه میشداغ که ۶ کیلومتر طول دارد، موانع متعددی ایجاد کردند، از جمله:

- احداث یک خاکریز پیوسته به عرض و ارتفاع ۳ متر و ایجاد

[صفحه ۲۲]

سنگرهای متعدد انفرادی و اجتماعی که از طریق کانال به هم مرتبط بودند.

- ایجاد میدان پیوسته از انواع مین ها و تله های انفجاری به عرض ۳۰۰ متر که جلوی خاکریز و در جناح شمالی تا حوالی بستان (منطقه مواضع توپخانه دشمن) یعنی حدود ۱۸ کیلومتر ادامه یافته بود.

- ایجاد موانع با استفاده از رشته های سیم خاردار حلقوی، افقی و عمودی بین خاکریز و میدان مین.

- ایجاد میدان مین نامنظم و پراکنده در جلوی موانع ذکر شده.

مواضع ارتش عراق در این منطقه که از یک سو به رودخانه کرخه و از سوی دیگر به زمین های غیر قابل عبور رملی متکی بود را یک تیپ پیاده، یک تیپ نیروی مخصوص و یک تیپ زرهی و سه گردان توپخانه پدافند می کردند و ۲ تیپ زرهی و مکانیزه نیز در احتیاط این منطقه بودند.

ب) جنوب کرخه: مواضع اصلی پدافندی دشمن در ساحل جنوبی کرخه در امتداد یک خاکریز و با همان ویژگی ها و مشخصات خاکریز منطقه شمالی

و در برخی مناطق مستحکم تر از آن احداث گردیده بود. ابتدای این خاکریز به کناره یکی از انشعابات کرخه به نام نهر عبید اتکا داشت که استفاده از موانع رودخانه پدافند آن را محکم تر می کرد و بعد به طول حدود ۱۵ کیلومتر رو به جنوب تا رودخانه نیسان امتداد می یافت و در پشت آن باز هم خاکریزها و مواضع دیگری برای پدافند در عمق سازمان داده شده بود.

مواضع دشمن را در جنوب کرخه حدود ۴ تیپ پیاده، مکانیزه و زرهی و ۴ گردان توپخانه پدافند می کردند و امکان تقویت سریع آن با دو تیپ زرهی و مکانیزه وجود داشت. بدین ترتیب نیروهای عراقی در این منطقه یک موضع پدافندی بسیار مستحکم و دژمانند با بهره گیری از تکنیک و انبوه جنگ افزار و موانع طبیعی به فاصله ۲۰ کیلومتری بستان و به صورت پدافند در عمق سازمان داده بودند و عملا هر گونه

[صفحه ۲۳]

پیشروی را در این منطقه دشوار به گمان خودشان نامکن کرده بودند، طوری که به نظر می رسید نیروهای متجاوز قصد داشتند با اطمینان خاطر سال ها این مناطق را در اشغال خود نگه دارند.

تأثیر عملیات های خودی بر آمادگی رزمندگان

هر چند عملیات های محدود رزمندگان سبب تحکیم مواضع پدافندی یگان های دشمن شد، اما این عملیات ها نتایج مهمی در جبهه خودی و آمادگی رزمندگان داشت، از جمله:

۱- ممانعت از ادامه ی تجاوز و پیشروی بیشتر دشمن در خاک ایران.

۲- ایجاد خودباوری بیشتر در ضربه زدن به نیروهای عراقی.

۳- پی بردن به ضعف های تاکتیکی دشمن و خودی.

۴- شاداب و فعال نگه داشتن روحیه رزمی جبهه ها.

۵- افزایش روحیه آمادگی برای اجرای عملیات های هجومی.

۶- کسب تجربیات جدید در طراحی مانور و تاکتیک های رزمی.

۷- دستیابی به غنائم

و رفع برخی از کمبودهای تسلیحاتی.

۸- انتشار اخبار پیروزی های جبهه های جنگ و تمایل مشارکت عمومی برای حضور در جبهه.

۹- ایجاد ترس و وحشت در جبهه دشمن به دلیل اجرای عملیات های غافلگیرانه و شبانه رزمندگان.

۱۰- بروز خستگی روحی - روانی در نیروهای دشمن به سبب آماده باش های طولانی.

[صفحه ۲۴]

عملیات طریق القدس (آزادی بستان)

چگونگی انتخاب منطقه نبرد

پس از آزاد شدن منطقه اشغالی شرق کارون در عملیات ثامن الائمه (ع)، در جبهه جنوب سه منطقه در اشغال دشمن باقی مانده بود: غرب کارون و شهر خرمشهر، منطقه بستان و سوسنگرد، و منطقه غرب رودخانه کرخه. این مناطق از نظر وسعت، هدف، استعداد و گسترش نیروهای دشمن وضعیت های متفاوتی داشتند که با توجه به توان و امکانات نیروهای خودی، منطقه سوسنگرد و بستان برای عملیات انتخاب شد. البته در این زمینه اختلاف نظرهایی وجود داشت. فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش با تأکید بر اینکه دشمن در غرب رودخانه کرخه حضور دارد و می تواند جاده اهواز - اندیمشک را تهدید کند و از سوی دیگر، در جناح شمالی منطقه عملیاتی استقرار یافته و در صورت هر نوع پیشروی در این منطقه، جناح راست نیروهای خودی در شمال و عقبه آن تهدید خواهد شد، با اجرای عملیات در این منطقه مخالف بود، برای همین پیشنهاد می کرد که عملیات در منطقه غرب رودخانه کرخه انجام شود.

در مقابل، بر پایه ضرورت توازن توانایی و مقدورات خودی با وضعیت منطقه از نظر وسعت و میزان نیروهای دشمن، برخی دیگر از فرماندهان جنگ بر اجرای عملیات در منطقه بستان و سوسنگرد اصرار می کردند. همچنین، آنها در پاسخ به استدلال مخالفان اجرای عملیات در این منطقه، بر چند موضوع تأکید داشتند؛ از

جمله اینکه

[صفحه ۲۵]

دشمن انگیزه و تمایلی برای آفند ندارد و در عین حال قادر به عبور از رودخانه کرخه و بستن جاده اهواز - اندیمشک نیست و اگر چنین بود، بی گمـان پیش از این اقـدام می کرد. همچنین گفته می شـد که بـا توجه به روحیه ضـعیف نیروهـای دشـمن و فرمانـدهی متزلزل آنهـا، عراق قادر به پاتک مؤثر برای تهدیـد جناح راست عملیات و یا عقبه نیروهای عمل کننـده نمی باشـد، زیرا لازمه این امر خروج از مواضع پدافنـدی و تحمـل تلفات است که دشـمن آمادگی پـذیرش آن را نـدارد. بر همین اساس، پیش بینی می شد، دشمن در این منطقه، سرسختانه در مواضع فعلی پدافند کند. [۱۸] .

در پی تغییر فرمانـده نیروی زمینی ارتش و مبـاحث طرح شـده بـه هنگـام انتخـاب منطقـه، عملیـات آفنـدی در منطقـه بسـتان و سوسـنگرد در تقـدم یکم قرار گرفت. دلایـل این تقـدم، ویژگی ها و امتیازات عملیات در این منطقه نسبت به سایر مناطق بود. دلایلی مانند:

۱- با توجه به توان نیروهای خودی، این منطقه نسبت به دو منطقه دیگر، دست یافتنی تر بود.

۲- نزدیکی بسـتان به مرزهـای بین المللی و تـأمین مرز به عنوان یک هـدف مهم قابل دسترس بود و از نظر سیاسـی نیز بازتاب گسترده ای داشت.

۳- تصـرف بسـتان، پیوستگی خطوط دشمن از مهران تا خرمشهر را از هم می گسست و امکان پشتیبانی متقابل شمال و جنوب بستان را از دشمن سلب می کرد.

۴- تهدید اهواز از محور سوسنگرد - بستان منتفی می شد [۱۹] .

بدین ترتیب، بر پایه ویژگی های مثبتی که منطقه عملیاتی بسـتان و سوسـنگرد داشت، این منطقه برای اجرای عملیات انتخاب و آماده سازی آن آغاز شد.

موقعیت منطقه

منطقه عمومی عملیات در شمال غربی اهواز

واقع شده و دارای زمین های مرتفع، پست و هموار می باشد که از شمال به ارتفاعات

[صفحه ۲۶]

الله اکبر، میشداغ و تپه های رملی، در جنوب به رودخانه نیسان و هویزه، در غرب از یک سو به دغاغله و رودخانه نیسان و از سوی دیگر، به رودخانه سابله و نهر عبید و روستای صالح حسن و از آن جا به سمت تپه های رملی در شمال امتداد می یابد و از شرق به هورالهویزه و تنگه ی چزابه و مرزهای بین المللی محدود می شود.

زمین منطقه در شمال، رملی و از جنس ماسه های بادی است. سمت بیشتر ارتفاعات منطقه، از شمال غربی به جنوب شرقی و شیب زمین در مکان های مختلف، متفاوت است. رودخانه های این منطقه شامل رودخانه کرخه با عرض تقریبی ۲۵ تا ۴۰ متر و عمق ۵ / ۱ تا ۲ متر است که عبور از آن بدون استفاده از پل های موجود، غیر ممکن می باشد. رودخانه کرخه کور در حمیدیه که از رودخانه کرخه منشعب شده و تغییر مسیر می دهد. نهر سابله شاخه جدا شده از کرخه و نهر نیسان شاخه اصلی، جدا شده از کرخه که ابتدا به نام مالکیه وارد سوسنگرد شده و از آن جا به بعد نهر نیسان نامیده می شود.

عوارض مصنوعی منطقه به این شرح بود: جاده آسفالته سوسنگرد - پل سابله - بستان؛ جاده معروف به تعاون که دشمن ساخته بود و از حد فاصل بستان - سابله به پل نیسان و به سمت جفیر امتداد داشت؛ میدان های مین و مواضع احداثی دشمن. آبادی های این منطقه شامل دهلاویه، بردیه، دغاغله، سابله، چزابه و دیگر روستاها می باشد [۲۰] .

وضعیت و استعداد دشمن

ارتش عراق پس از ناکامی در تصرف سوسنگرد

و پیشروی به سمت اهواز، در خارج از شهر و غرب سوسنگرد مواضع پدافندی خود را با استفاده از موانع طبیعی و مصنوعی در محور جابر حمدان در شمال رودخانه کرخه و محورهای دهلاویه، سویدانی و هویزه در جنوب کرخه به گونه ای مناسب تحکیم و تثبیت کرد.

ارتش عراق پس از عملیات ثامن الائمه (ع) و تحمل ضربه مهلک ناشی از آن، تمام توان خود را برای شناسایی تحرکات و مقاصد نیروهای

[صفحه ۲۷]

خودی بسیج کرد و تا ۶۰ درصد موفق به کشف این اطلاعات شد. اما به دلیل نقص اطلاعات، همچنان در تردید به سر می برد و در تجزیه و تحلیل خود به این نتیجه رسیده بود که یکی از راه کارهای احتمالی نیروهای خودی و تمرکز «تلاش اصلی» برای عملیات، در محور غرب سوسنگرد، عبور از پل سابله به سمت بستان و نیز «تلاش پشتیبانی»، از شمال کرخه و محور الله اکبر، جنوب ارتفاعات رملی به سمت غرب و تنگه چزابه می باشد. [۲۱] دشمن برای مقابله با این راه کارها، ترکیب و شکل استقرار نیروهای خود را با استفاده از موانع موجود آرایش داد. ارتش عراق که برای پشتیبانی و تقویت نیروهای خود به پل های روی رودخانه های کرخه و سابله و جاده های شمالی - جنوبی متکی بود، حفاظت و حمایت از پل ها را تشدید کرد. در عین حال، عوارض رودخانه های منطقه تحرک فوق العاده و پشتیبانی سریع را برای دشمن غیر ممکن کرده بود.

نیروهای دشمن در شمال کرخه شامل تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵، تیپ ۹۳ پیاده از لشکر ۴ پیاده کوهستانی، گردان ۱ پیاده از تیپ ۲۳، تیپ ۳۱ و ۳۲ نیروی مخصوص و نیروهای جیش الشعبی

بود.

نیروهای دشمن در جنوب کرخه شامل تیپ های ۲۵ مکانیزه و ۱۶،۳۰ و ۹۶ زرهی از لشکر ۶ زرهی، تیپ ۴۸ پیاده از لشکر ۱۱ پیاده، تیپ ۱۲ زرهی از لشکر ۳ زرهی، یک گردان از تیپ ۳۲ نیروی مخصوص، گردان ۲۰ دفاع الواجبات، نیروهای کماندویی لشکر ۷ پیاده و نیروهای جیش الشعبی بود. [۲۲]

دشمن پس از آگاهی از سمت تک رزمندگان اقدامات زیر را انجام داد:

۱- جابه جایی تیپ ۳۰ زرهی با تیپ ۳۵.

۲- تقویت منطقه غرب سوسنگرد با تیپ ۳۰ نیروی مخصوص.

۳- تمرکز تیپ ۳۱ نیروی مخصوص و گروه های کماندو در شمال کرخه، تنگه ی چزابه و پل های کرخه.

۴- ایجاد تمرکز در گردان های تیپ ۱۲ در شمال کرخه و تنگه چزابه به عنوان نیروی احتیاط و پاتک.

[صفحه ۲۸]

۵- ایجاد تمرکز در تیپ ۴۸ پیاده و تیپ ۹۳ در مثلث فنیخی و شمال کرخه.

۶- ایجاد تمرکز در گردان های تیپ ۲۶ شمال کرخه به ویژه خطوط دوم.

۷- تقویت خطوط دفاعی غرب سوسنگرد با تیپ ۳۰ زرهی، گردان های طارق و المثنی.

۸- انتقال تیپ ۱۰ زرهی به حوالی قرارگاه لشکر ۶ زرهی به عنوان احتیاط آن لشکر برای اجرای تک در منطقه غرب سوسنگرد.

۹- تمرکز در ذخیره مهمات توپخانه، تانک، سلاح های ضدتانک و سلاح های پدافند هوایی و افزایش مهمات خطوط اول.

۱۰- تمرکز در تقویت نیروی حمایت از پل ها و تقویت سلاح و مهمات مربوط به آن

اقدامات خودی پیش از عملیات

مهم ترین اقدامات نیروهای خودی در فاصله دو عملیات ثامن الائمه (ع) و طریق القدس، چنین بود:

۱- شناسایی خطوط و عمق دشمن؛ مهم ترین شناسایی عمق با هدف انهدام دشمن در شمال غربی رودخانه نیسان شامل منطقه غرب سوسنگرد و حاشیه ی هور و از پشت دشمن در

روستاهای دفار، نهر کسر، شیخ محمود و تا حوالی بیت نعمه می شد. برای شناسایی معابر خودی به دشمن و برعکس، شناسایی موانع مصنوعی شامل میادین مین، خاکریزها و سایر تأسیسات و نیز شناسایی و ثبت تحرکات و استعداد پشتیبانی دشمن اعم از هوایی، هوانیروز توپخانه و پدافند هوایی اقداماتی انجام گرفت. همچنین، منطقه شمال کرخه در حد فاصل جناح دشمن و ارتفاعات میشداغ در منطقه رملی نیز شناسایی شد که اطلاعات آن بسیار حائز اهمیت بود و منجر به طرح ریزی عملیات به صورت احاطه ای شد و جاده معروف روی منطقه رملی نیز بر اساس همین اطلاعات و برابر نیاز عملیات احداث

[صفحه ۲۹]

شد و بدین ترتیب، امکان دسترسی نیروهای خودی در خیز اول به عقبه دشمن در تنگه چزابه فراهم شد.

۲- سازمان دهی نیروهای مردمی به کوشش و تدبیر سپاه پاسداران، به گونه ای که در محاسبات عملیات، استعداد و توان سپاه به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده در آغاز عملیات و کسب موفقیت مورد تأکید قرار گرفت.

۳- طرح ریزی عملیات بر پایه شناسایی از منطقه و توان موجود نیروهای خودی و انجام دادن برخی جابه جایی ها و تقویت منطقه که با ظرافت و دقت خاصی انجام گرفت.

۴- نزدیک کردن خطوط خودی به دشمن با ایجاد خاکریزهای کوتاه.

۵- اجرای طرح آب برای محدود کردن خطوط پدافندی و آزاد کردن نیرو.

۶- احداث جاده ای به طول ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر در زمین های رملی شمال منطقه عملیاتی به کوشش برادران جهاد سازندگی.

در پی شهادت برخی از فرماندهان ارتش و سپاه پس از عملیات ثامن الائمه (ع)، انتصاب های جدید موجب تغییراتی در مدیریت جنگ شد که در گسترش و تعمیق همکاری سپاه و

ارتش نقش بسزایی داشت.

هوشیاری دشمن و اقدامات دفاعی

بـا افزایش فعـالیت رزمنـدگان در این منطقه، اداره کـل اطلاعـات نظامی ارتش عراق اطلاعات زیر را که حاکی از پی بردن به قصـد رزمنـدگان اسـلام برای هجـوم به منطقه بسـتان و هـویزه بود، برای یگـان هـا و واحـدهای خود مسـتقر در منطقه عمومی عملیات ارسال کرد:

۱- تجدیدنظر در سازمان رزمی و آرایش یگان های دشـمن و تقویت بعضی از این یگان ها همراه با گسترش دادن مناطق آب گرفته.

۲- افزایش فعالیت های گشت زنی، جمع آوری اخبار شـناسایی های مکرر و عکاسـی هوایی که آخرین آن در تاریـخ ۴ / ۹ / ۱۳۶۰ بوده است.

[صفحه ۳۰]

۳- نزدیـک شـدن تـدریجی به یگـان هـای مـا و کاهش عمق منطقه بین دو خط تماس و احـداث تعـدادی خاکریز و بالا بردن ارتفاع بعضی از آنها.

۴- کاهش گلوله های توپخانه و علامت گذاری زمین برای هماهنگی و تعیین سمت و ثبت تیر.

۵- تغییر مکان پاسگاه فرماندهی لشکر ۱۶ زرهی به منطقه جلو در ابوحمیظه و اقدام یگان های این لشـکر برای تهیه طرح های تعرضی و اقدامات هماهنگی نظیر لغو مرخصی ها و ذخیره کردن مهمات و هماهنگ کردن دستورات مخابراتی.

۶- تقویت یگان های منطقه با حدود ۵۰۰۰ تن از داوطلبان پاسدار.

۷- آشکار شدن پارازیت های دشمن در منطقه هویزه و سرپل های کرخه کور.

۸- درخواست واگذاری ماسک ضدگاز.

۹- درخواست تأمین پوشش هوایی در منطقه سوسنگرد.

در واقع اداره اطلاعـات ارتش عراق که بـا تجزیه و تحلیل تحرکات رزمنـدگان، به قصـد نیروهای ایرانی برای حمله پی برده و حتی زمـان آن را پیش بینی کرده بود، با مشـخص کردن هـدف های تک خودی و چگونگی اجرای احتمالی آن و ارسال آن برای یگان هایش، به آنها چنین هشدار می دهد:

«ایرانیان تکی تعرضی شدیدا فعال در

منطقه بستان تا هویزه طرح ریزی نموده اند که بیش از ۳ تیپ زرهی و یگان های پیاده و داوطلبان و پاسداران در اجرای آن شرکت خواهند نمود.

هدف نزدیک دشمن (ایران) عبارت است از رسیدن به جاده تعاون (جاده ای که شهر بستان را به هویزه متصل می کند) و به موازات آن دشمن (ایران) در منطقه شمال کرخه با استفاده از یگان های لشکر ۹۲ برای فشار به منطقه تیپ ۲۶ زرهی با تقدم های زیر اقدام می کند:

۱- تک با یک نیروی زرهی در محور بستان پس از عبور از نهر سابله.

[صفحه ۳۱]

۲- ادامه تک به طرف آبادی ابوسخیل (۷۴۹۹) و ادامه تک به سمت هور هویزه.

۳- پیشروی در امتداد محور هویزه و جفیر در صورت انهدام نیروهای دفاعی ما به صورت کامل.

از فعالیت های مذکور چنین استنباط می شود که ساعت شروع تک احتمالی دشمن (ایران) زودتر از ساعت ۲۳۰۰ روز ۶ / ۹ / ۱۳۶۰ نخواهد بود. بنابراین ضروری است که از ساعت ۰۰۰۱ مورخ ۷ / ۹ / ۱۳۶۰ یگان ها به مدت ۷۲ ساعت به طور صددرصد آماده باشند.»

با توجه به موارد بالا، ارتش عراق به یگان های مستقر در منطقه دستورات زیر را ابلاغ کرد:

«ذخیره کردن انواع مهمات و افزایش مهمات خط اول و دوم.

- تقویت مواضع در عمق.

- به جلو کشیدن تانک ها.

- اعزام گشتی و دیده بان.

- استفاده از رزمندگان ارتش خلق که در یگان ها موجود می باشند برای حفاظت و کنترل مناطق ثابت و حیاتی.» [۲۳] .

[صفحه ۳۲]

طرح عملیات

مأموریت و اهداف

در طرح ریزی مانور عملیات پیش بینی شده بود که نیروهای سپاه و ارتش باید با عملیات آفندی وسیع و انهدام گسترده قوای

دشمن در این منطقه، توان رزمی و میل جنگ جویی

نیروهای متجاوز را به شـدت کاهش دهند و برای اجرای آفند نهایی جهت بیرون راندن دشـمن از سـرزمین های اشـغالی آماده باشند. اهداف این عملیات عبارت بودند از:

۱- قطع ارتباط دشمن از شمال به جنوب با تصرف و تأمین تنگه چزابه [۲۴] .

۲- انهدام نیروی دشمن بین نهر سابله و نیسان و هورالعظیم.

۳- آزادسازی شهر بستان و ۷۰ روستای دیگر.

۴- رسیدن به مرز بین المللی در منطقه شیب و هورالعظیم.

۵- آزادسازی منطقه ای به وسعت نزدیک به ۳۵۰ کیلومترمربع [۲۵] .

۶- تمرکز و صرفه جویی در نیروی پدافندی.

در واقع، لازمه اجرای این مأموریت، تأمین سه هـدف شامل بسـتان، غرب سوسـنگرد تا هور و شـمال رودخانه نیسان بود. این اهـداف تأثیر متقابل و یکسانی بر یکدیگر داشـتند و تأمین یکی از آنها بدون تأمین دو هدف دیگر و یا حداقل، هدف مجاور، ممکن نبود و نگه داری هدف را بی نهایت مشکل و حتی غیر ممکن می ساخت [۲۶] .

سازمان رزم

نیروهای شرکت کننده از ارتش جمهوری اسلامی در این عملیات عبارت بودند از:

[صفحه ۳۳]

- تیپ ۱ زرهی از لشکر ۱۶ قزوین.

- تیپ ۱ از لشکر ۷۷ پیاده خراسان.

- تیپ ۳ زرهی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز.

همچنین سه گردان توپخانه تقویت شده برای کمک مستقیم به تیپ های عمل کننده مأمور شده بودند.

نیروهای شرکت کننده از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این عملیات عبارت بودند از:

- تیپ ۱ عاشورا شامل ۹ گردان پیاده.

- تیپ ۲ کربلا شامل ۳ گردان پیاده.

- تیپ ۳ امام حسین (ع) شامل ۸ گردان پیاده.

- تیپ ۴ امام سجاد (ع) شامل ۴ گردان پیاده.

- تیپ امام حسن (ع) شامل ۳ گردان به عنوان احتیاط.

در مجموع، استعداد نیروهای ارتش شامل ۶

گردان تانک، ۶ گردان مکانیزه و ۱ گردان پیاده و ۳۰ آتشبار توپخانه بود. استعداد نیروهای سپاه نیز شامل ۲۷ گردان پیاده، ۲ گردان مکانیزه، ۱ گردان تانک و ۲ گردان تقویت شده ی ادوات بود.

در این طرح بر اساس گزارش قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، توان رزمی نیروهای خودی و دشمن چنین مقایسه شده بود:

«از نظر تعداد تانک به نسبت ۵ / ۲ به یک و از نظر تعداد یگان های مکانیزه به نسبت دو به یک بر او برتری داریم و از نظر تعداد نفربر یک به یک مساوی و از نظر یگان های پیاده ی ما با احتساب سپاه پاسداران، به نسبت چهار به یک بر او برتری داریم. از نظر آتش توپخانه، ما به نسبت ۵ / ۲ به یک بر او برتری داشته ولی چنانچه محدودیت مهمات همچنان ادامه یابد و مرتفع نگردد، این نسبت تقلیل می یابد... دشمن با توجه به دارا بودن یک تحرک عالی و احداث جاده در منطقه اشغالی، دارای امکانات یک واکنش سریع و شدید در مقابل ما بوده و نسبت دارا بودن یگان احتیاط و تقویت

[صفحه ۳۴]

در سطح تیپ زرهی یا مکانیزه، سه به یک به نفع دشمن برآورد می شود.» [۲۷] .

این گزارش عنصر اصلی برتری بر دشمن را حضور سپاه و روحیه تهاجمی اش می داند:

«تفوق غیر قابل انکار ما بر دشمن میل جنگ جویی و روحیه تهاجمی سپاه پاسداران می باشد که به نیروهای رزمنده ارتش نیز توانایی تازه می دهد.» [۲۸] .

همچنین، در این گزارش آمده است که دشمن، از نظر وضعیت زمین و نیروی هوایی بر نیروهای خودی برتری دارد. در پایان گزارش چنین نتیجه گیری شده است:

«از

نظر عوامل فیزیکی، توان رزمی به غیر از یگان های پیاده و احتمالاـ توپخانه، برتری با دشمن ولی از نظر عوامل نامحسوس مانند روحیه تهاجمی نیروهای رزمنده و میل به پایان دادن جنگ و شکست متجاوز، برتری با ما خواهد بود.» [۲۹] .

بنابراین، در برآورد قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی عنصر اصلی برتری نیروهای خودی بر دشمن نیروهای پیاده و از نظر عوامل نامحسوس، «روحیه تهاجمی و میل جنگ جویی» ذکر شده است که اساسا هر دو مورد متکی بر حضور نیروهای سپاه بود.

طرح مانور

اشاره

در طرح ریزی عملیات طریق القدس، بر پایه تجارب به دست آمده از عملیات های پیشین و شناختی که از تدابیر پدافندی دشمن مبنی بر «پدافند عمق دار» و «پاتک های سریع و سنگین» وجود داشت، دست یابی به نیروهای احتیاط دشمن مورد تأکید قرار گرفت. با توجه به اینکه مواضع دشمن در محور شمالی شامل رودخانه کرخه واقع در غرب تپه های الله اکبر به لحاظ وضعیت زمین، ضعیف بود و همچنین دشمن درک روشنی از طرح عملیات این محور نداشت، لذا این

[صفحه ۳۵]

منطقه به عنوان «تاکتیک ویژه عملیات» که عبور از منطقه رملی و دور زدن رده های دوم و سوم دشمن در عمق بود، مورد توجه سپاه قرار گرفت [۳۰] .

در این حال، برادران قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در جنوب، بنابر تفکر کلاسیکی، [۳۱] عملیات در این محور را بسیار سخت و تا اندازه ای ناممکن می دانستند. در برآورد این قرارگاه از طرح مانور چنین آمده است:

«در شمال کرخه برای تک به دشمن و تأمین هدف خود در شمال بستان، ما مجبور به عبور از مواضع بسیار مستحکم پدافندی دشمن هستیم که به شکل عصا

بوده و دارای ۵ / ۸ کیلومتر است و در جنوب به مانع رودخانه کرخه و در شمال به تپه های رملی دامنه میشداغ متکی می گردد.»

در این برآورد همچنین با توجه به امکان مانور در این منطقه، آمده است:

«هرگونه مانور احاطه ای یا دورانی توسط نیروهای زرهی و مکانیزه غیر مقدور بوده و در صورت عدم موفقیت نیروهای پیاده و پاسدار - که باید به هر طریق در این مانع نفوذ کرده و آن را ساقط نمایند - ما مجبور به اتخاذ تک جبهه ای به این مانع و تمرکز تلاش در چند نقطه برای رخنه در آن هستیم و به خوبی روشن است که تک جبهه ای نیروهای زرهی و مکانیزه به چنین مانع عظیمی اگر صددرصد با شکست توأم نباشد، با تلفات و ضایعات غیر قابل تصوری همراه خواهد بود.»

[صفحه ۳۶]

بنابراین تحلیل، نیروهای ارتش که بیشتر زرهی و مکانیزه بودند، با توجه به وضعیت زمین منطقه، عقیده داشتند که امکان تک جبهه ای ناممکن است و عبور نیروهای سپاه از منطقه رملی را با توجه به مشکلات آن، تا اندازه ای دشوار می دانستند. به عقیده آنها اگر عملیات از این محور صددرصد با ناکامی همراه نباشد، دست کم دارای تلفات و ضایعات غیر قابل تصوری خواهد بود. به همین دلیل در این برآورد تأکید شده است:

«مگر آنکه این موانع قبل از هجوم یگان های تانک و مکانیزه با اجرای تک سریع و توأم با غافل گیری یگان پیاده و به ویژه سپاه پاسداران از زمین های رملی شمالی، تسخیر و سقوط کرده و با استفاده از معابر ایجاد شده در میادین مین و برداشتن سیم های خاردار و مواضع ضدتانک و بریدن

خاکریز نیروهای مکانیزه و زرهی به خاکریزهای بعدی مانور نماید.»

بدین ترتیب، برادران قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در جنوب طرح ریزی عملیاتی بر پایه عبور نیروهای سپاه از تپه های رملی در شمال را به عنوان محور اصلی تهاجم، نادرست ارزیابی کرده و بر این باور بودند که ناکامی در این محور، به ناکامی در سایر محورها می انجامد؛ در صفحه ۷ این برآورد نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی آمده است:

«مشکل بزرگ کار ما تک سریع و غافل گیر کننده سپاه پاسداران و عناصر پیاده با دور زدن جناح شمالی و سرازیر شدن به سنگرهای متجاوز[ان] در داخل خاکریز است که باید دقیقا طرح ریزی، شناسایی، محاسبه، تهیه و تدارک و سپس اجرا گردد.»

تردیدهای موجود در برآورد قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی سبب شد تا فرمانده وقت این نیرو، سرهنگ صیاد شیرازی، پس از مطالعه این برآورد و تشکر از تهیه کنندگان آن، که بر اساس «آگاهی های علمی و تخصصی خود» و «واقعیت های موجود در میدان نبرد» آن را تهیه کرده بودند، نکاتی را به آنها گوشزد کند که

[صفحه ۳۷]

بسیار با اهمیت بود:

«همان طوری که کرارا تذکر داده ام بسیاری از کیفیت های رزمی کلاسیک یگان های ما حقیقت ندارد و بسیاری کیفیت های رزمی جدید در صحنه های رزم ما ظهور کرده است که برادرانم تقریبا شناخت کاملی از آن نداشته و آن را در برآورد خویش منظور نمی کنند.»

سرهنگ صیاد شیرازی همچنین در حاشیه متن برآورد نوشت:

«ترکیب مقدس نیروهای رزمنده ارتش و سپاه در صورتی که به خوبی به کار گرفته شود و هدایت گردند، بسیاری از موارد ذکر شده در بند معایب را خنثی می کند.»

در ادامه این حاشیه آمده است:

«با

عـدم شـناختی که دشـمن به این کیفیت هـا دارد و پشتیبـان واقعی مـا خـدا می باشـد، حمله را آغاز و به یاری پروردگار یکتا، پیروزی شایسته را نصیب رزمندگان اسلام خواهیم کرد.»

بدین ترتیب، با وجود برخی تردیدها، طرح ریزی مانور عملیات از محورهای مختلف انجام گرفت که به آن اشاره می شود:

شمال رود کرخه به عنوان تلاش اصلی

این بحث با استفاده از سـند شماره ۶۸۹ مرکز مطالعـات و تحقیقـات جنـگ، گزارش هـای عملیات های بزرگ مقطع سوم (از ثامن الائمه (ع) تا بیت المقدس)، گزارش برادر داوود رنجبر نوشته شده است.

چنان که ذکر شد عملیات در محور شـمال رود کرخه اهمیت ویژه ای داشت؛ زیرا دشـمن تصور نمی کرد که نیروهای خودی از این محور دست به حمله بزننـد؛ علاوه بر آن، همزمـان بـا آغـاز درگیری، نیروهـای احتیاط نیز می توانسـتند به عمق دشـمن تعرض کنند و در صورت کسب موفقیت، عملیات در محور جنوبی با تک جبهه ای می توانست موفق شود.

در این محـور، تیپ ۴ امام سـجاد (ع)، به همراه یک گردان تانک ارتش مأموریت داشـتند با پشت سـر گذاشـتن اسـتحکامات دشمن، و پیشروی

[صفحه ۳۸]

در عمق، با استفاده از جاده ای که جهاد سازندگی احداث کرده بود، به تنگه چزابه حمله کنند و تیپ امام حسین (ع) و تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی نیز مأموریت داشتند در تک جبهه ای با دشمن درگیر شوند.

غرب سوسنگرد (از جنوب رودخانه کرخه تا رودخانه نیسان)

گستردگی زمین منطقه، هدف های متعدد موجود در آن، جبهه ای بودن عملیات و نیز مواضع مسـتحکم دشـمن در این منطقه، موجب انتخاب دو محور شد:

الف) جاده سوسـنگرد - بستان، از دهلاویه تا نهر سابله: هدف این محور الحاق با تیپ امام حسین (ع) و تصرف بستان بود، لذا این محور اهمیت خاصـی داشت. اساسـا موفقیت در این محور به طور کامـل بسـتگی به موفقیت در محور شـمالی (عبور از تپه هـای رملی) داشت. در این محـور تیپ ۲ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش و تیـپ ۲ پیاده کربلا از سـپاه مأموریت داشـتند با حمله به مواضع دشمن و انهدام آنها، پل های سابله را تصرف کرده و با تأمین

جناح جنوبی پل حاج مسلم و تأمین شهر بستان، پس از عبور از پل رمیم، تا منطقه جنوب پل ابوچلاچ را تأمین کنند. در این محور نیز مقرر شد که ابتدا نیروهای سپاه با حمله به مواضع دشمن و انهدام آنها، هدف ها را تصرف و تأمین کنند، سپس تیپ ۲ از لشکر ۱۶ برای پشتیبانی تک، وارد عمل شود.

ب) از میله ۲ تا دغاغله: هدف اصلی در این محور، انهدام نیروهای دشمن در منطقه شمال رودخانه نیسان بود. در این محور تیپ ۱ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش و تیپ ۱ پیاده عاشورا از سپاه مأموریت داشتند که همزمان با محورهای دیگر، تک را آغاز کنند و پس از انهدام دشمن و تصرف و تأمین پل ها و سرپل های دشمن، روی رودخانه نیسان و حاشیه آن، ضمن پدافند در کناره شمالی این رودخانه، بنا به دستور آماده شوند تا در جنوب این پل ها، ادامه تک دهند و نیروهای دشمن را در این منطقه منهدم کرده و پس از آن، در حد فاصل آب گرفتگی هویزه تا روستای ابوسخیل (رفیع) پدافند کنند.

[صفحه ۳۹]

شرح عملیات

حمله رزمندگان

با وجود مشکلاتی که در زمان طرح ریزی و تهیه مقدمات عملیات طریق القدس وجود داشت، از جمله احداث جاده در منطقه تپه های رملی، عملیات در ساعت ۳۰ دقیقه پس از نیمه شب ۸ آذر ۱۳۶۰ با رمز «یا حسین (ع) فرماندهی» و با تکیه بر تاکتیک ویژه، یعنی عبور نیروهای سپاه از منطقه رملی به عنوان محور اصلی تهاجم، آغاز شد. به هنگام شروع عملیات باران به شدت می بارید و همین امر سبب شد تا نیروهای دشمن - به رغم هوشیاری نسبی - تصور کنند،

ریزش باران موجب انصراف رزمندگان از اجرای عملیات خواهد شد، به همین دلیل، با خیال آسوده به درون سنگرهای خود خزیدند، در حالی که بارش باران در منطقه رملی موجب چسبندگی در سطح زمین و در نتیجه، سهولت در حرکت نیروها شد.

در محور شمالی رزمندگان برای تصرف و تأمین تنگه ی چزابه، از سه محور عمل کردند. در محور اول نیروهای خودی «خاکریز عصا شکل» دشمن را به عنوان خاکریز خط مقدم تصرف و منطقه جابرحمدان تا تپه های شنی را پاک سازی کردند. در محور دوم این نیروها از دیدگاه شماره ۱، در تپه های شنی وارد عمل شده و موفق به انهدام احتیاط رده اول دشمن شدند. در محور سوم که از دیدگاه شماره ۳ در شمال تپه های شنی آغاز شده بود، نیروهای خودی با دو فلش، نیروهای احتیاط رده دوم و توپخانه دشمن را هدف حمله قرار دادند.

در این حال، دشمن که به هیچ وجه انتظار حمله در حالت بارانی، آن هم در محور شمالی را نداشت، کاملا غافل گیر شد. رده های اول و دوم احتیاط و توپخانه دشمن که در این منطقه مستقر بودند از پشت مورد حمله قرار گرفتند و در کمتر از یک ساعت پس از شروع درگیری، آتش توپخانه دشمن خاموش شد و تعداد ۱۹ قبضه توپ ۱۵۲ میلی متری، سالم به دست نیروهای خودی افتاد. اجرای مانور با

[صفحه ۴۰]

تانک های غنیمتی به دست آمده در عملیات ثامن الائمه (ع)، دشمن را در این محور کاملا گیج کرده بود، زیرا دشمن در حالی که هرگز حتی عبور نیروهای پیاده را از روی تپه های رملی تصور نمی کرد و این امر را تنها با هلی برد امکان پذیر می دانست، شاهد

حضور تانک های ایران در مقابل خود بود. با نفوذ نیروهای خودی به عمق مواضع دشمن از محور شمال، مقر تیپ ۲۶ زرهی از لشکر ۵ عراق تسخیر شد و کلیه نیروهای این تیپ – به جز شمار اندکی از فرماندهان آن – به هلاکت رسیدند.

در محور جنوبی، حمله نیروهای خودی از دو محور و با هدف تصرف بستان و انهدام نیروهای دشمن در شمال منطقه نیسان آغاز شد، ولی با وجود موفقیت در برخی از محورها، پیشروی نیروها بنا به دلایلی از جمله هوشیاری دشمن، متوقف شد. چنان که در محور دهلاویه، با آنکه نیروهای خودی از موانع و استحکامات دشمن عبور کرده و پل سابله را تصرف کردند، ولی در یک تک جبهه ای و با افزایش فشار دشمن، در جاده بستان زمین گیر شدند. در محور سویدانی نیز، نیروهای خودی با وجود پیشروی در مواضع عراق و تصرف یکی از پل های دشمن روی رودخانه نیسان، پس از روشن شدن هوا مجبور شدند در مواضع مناسب تری استقرار یابند.

پیروزی کامل عملیات در محور شمالی و لزوم تداوم آن سبب شد تا شهر بستان که از اهداف محور جنوبی بود، در ساعت ۹ صبح روز اول عملیات به دست نیروهای محور شمالی آزاد شود. عراقی ها که در نزدیکی پل سابله مستقر بودند، می توانستند با پاتک خود تمام دست آوردهای عملیات را تهدید کرده و بستان را دوباره به اشغال درآورند. به همین دلیل، کلیه تلاش ها در روز اول و شب دوم به تثبیت منطقه تصرف شده معطوف شد. اما هوشیاری دشمن، جبهه ای بودن تک و تعجیل در اجرای عملیات موجب ناکامی در محور جنوبی شد.

[صفحه ۴۱]

واکنش دشمن

این بحث

با استفاده از اظهارات اسیران عراقی تحت عنوان «تحلیل نبردهای ایران اسلامی و بعثیان عراق»، نوشته اسیران عراقی، نگاشته شده است.

در نخستین ساعات روز اول عملیات، یگان های زرهی و مکانیزه دشمن برای جلوگیری از حمله ی نیروهای خودی به داخل تنگه ی چزابه و ممانعت از پیشروی آنها، دست به پاتک زدند. مسدود بودن جاده بستان به شیب، سبب شد که نیروهای تقویتی دشمن از محور عماره – شیب وارد منطقه عملیاتی شوند. در این حال، نیروهای خودی تمام تلاش های سنگین و اولیه نیروهای دشمن را در داخل تنگه ی چزابه و نزدیکی پل سابله سرکوب کردند. در همین حال بمباران شدید شهر بستان در دستور کار نیروهای عراقی قرار گرفت.

دشمن برای بازپس گرفتن منطقه، در بعد از ظهر روز اول عملیات پاتکی را طرح ریزی کرد که بر اساس این طرح قرار بود نیروهای دشمن با تاریک شدن هوا از سه محور حمله خود را آغاز کرده و در شهر بستان با یکدیگر الحاق کنند. هدف این پاتک بازپس گیری شهر و تمام منطقه ی تصرف شده بود. قرارگاه نیروهای شیب از شمال و قرارگاه فرماندهی لشکر ۵ مکانیزه از جنوب، فرماندهی این عملیات را بر عهده داشتند. این دو قرارگاه تابع سپاه چهارم ارتش عراق بودند. همچنین دشمن تصمیم گرفت علاوه بر پل سابله و پل تعاون، دو پل مهندسی دیگر برای عبور یگان ها روی رودخانه سابله نصب کند.

یگان های ستون اول شامل تیپ گارد ریاست جمهوری، تیپ های ۳۱ و ۳۲ نیروی مخصوص، تیپ ۱۷ زرهی، تیپ های ۳۶، ۱۹،۱۸ و ۳۹ پیاده و گروهان های کماندو، قرار بود در محور پاسگاه شیب، تنگه ی شیب و شهر بستان حرکت و پیشروی کنند.

یگان های

ستون دوم شامل تیپ های ۱۲ و ۳۰ زرهی، تیپ ۲۵ مکانیزه، تیپ ۴۸ پیاده، گردان دوم تیپ ۹۶ پیاده قاطع البصره از جیش الشعبی، می بایستی در محور رودخانه نیسان، پل سابله و شهر بستان حرکت و پیشروی می کردند.

[صفحه ۴۲]

یگان های ستون سوم شامل تیپ ۱۶ زرهی، تیپ های ۲ و ۱۵ پیاده مکانیزه و یک گردان از تیپ ۳۳ قرار بود در محور رودخانه نیسان، پل تعاون و شهر بستان پیشروی کنند.

بدین ترتیب، در ساعت ۲۲، ستون اول دشمن که تیپ گارد پیشاپیش آن قرار داشت، پیشروی خود را از منطقه تجمع شیب آغاز کرد ولی در داخل تنگه با مقاومت شدیدی روبه رو شد. در این حال، با آنکه تیپ ۳۲ نیروی مخصوص دشمن برای تقویت این ستون وارد عمل شد، ولی اوضاع بهبود نیافت. چنان که سرانجام ستون دشمن روز بعد با روشن شدن هوا و با وجود پیشروی نیروهای تیپ ۱۷ زرهی عراق - که با نیروهای پیاده تقویت شده بودند - موفق به پیشروی نشد و عقب نشینی کرد. فرماندهی دشمن در ساعت ۳ بامداد به تیپ الولید دستور داد، از پل سابله عبور کرده و سرپل را توسعه دهد تا نیروها از این محور بتوانند به سمت بستان حرکت کنند. توقف یگان های ستون اول و کندی در پیشروی یگان های ستون دوم سبب شد تا فرماندهی دشمن با استفاده از موفقیت به دست آمده در این محور، فرمان پیشروی به سمت بستان را صادر کند. یگان های ستون سوم به طور کامل از اجرای مأموریت خود بازماندند، زیرا نتوانستند سرپل را اشغال یا حتی از آن عبور کنند.

در روز دوم عملیات، فرماندهی دشمن به یگان های ستون

دوم و سوم دستور عقب نشینی داد. علت شکست پاتک دشمن، بیشتر متأثر از عوامل زیر بود:

۱- حجم فراوان یگان های دشمن در منطقه ای محدود.

۲- سرعت و شتاب دشمن در طرح ریزی پاتک.

۳- مشارکت یگان هایی در پاتک که مورد تهاجم نیروهای خودی قرار گرفته بودند و از روحیه و انسجام لازم برخوردار نبودند.

۴- مقاومت نیروهای خودی.

۵- اجرای آتش مناسب روی دشمن.

۶- به کارگیری مناسب سلاح های ضدزره.

[صفحه ۴۳]

بدین ترتیب، تلاش دشمن در روز اول، شب دوم و روز دوم عملیات به شکست انجامید. تصرف پل سابله به دست یگان های دشمن می توانست تمام دست آوردهای عملیات را مورد تهدید قرار دهد. در روزهای بعد، دشمن با وجود تلاش هایش در تنگه ی چزابه و پل سابله، موفقیتی کسب نکرد و نیروهای خودی پس از شش روز، منطقه تصرف شده را پاک سازی و تأمین کردند. نیروهای خودی در ادامه برای آزادسازی منطقه میان شمال رودخانه نیسان و جنوب رودخانه سابله، سعی در طرح ریزی عملیات کردند ولی با عقب نشینی ناگهانی دشمن به شمال رودخانه نیسان، نیروهای خودی بدون اجرای عملیات بر منطقه مسلط شدند.

شهیدان عملیات

موفقیت عملیات طریق القدس حاصل مقاومت و تلاش همه ی رزمندگان شرکت کننده در این عملیات، همه طراحان و فرماندهان هدایت کننده ی عملیات و همه ی نیروهای پشتیبانی کننده ی عملیات، به ویژه جانبازی ۶۷۴ تن از پاسداران و بسیجیان و ۱۲۵ تن از ارتشیان که در این عملیات به شهادت رسیدند، می باشد.

خسارات و تلفات دشمن

در این عملیات ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۰۰ دستگاه خودرو، ۱۳ فروند هواپیما و ۴ فروند هلی کوپتر دشمن منهدم شد. همچنین حدود ۳۵۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و ۵۰۰۰ تن زخمی شدند و ۵۴۶ تن دیگر به اسارت نیروهای خودی درآمدند و بیش از ۱۵ تیپ دشمن از ۱۰ تا ۹۰ درصد منهدم و از صحنه نبرد خارج شدند.

در این عملیات همچنین حدود ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۹ قبضه توپ ۱۵۲ میلی متری، ۲۵۰ خودرو، ۳۰ قبضه سلاح

ضدهوایی ۲۳ و ۱۴ میلی متری و ۱۲۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی نیز به غنیمت نیروهای خودی درآمد.

[صفحه ۴۴]

ارزیابی عملیات

اشاره

جمهوری اسلامی ایران در پی موفقیت در دو عملیات فرماندهی کل قوا و ثامن الائمه (ع) و کسب تجربیات جدید، درصدد برآمد تا با یک اقدام بزرگ دیگر ضمن قطع ارتباط بین قوای دشمن در شمال و جنوب استان خوزستان، قوای متجاوز عراقی را تا مرزهای بین المللی عقب براند، برای همین تمامی توان بالفعل خود در جبهه های جنوب را متمرکز کرد و عملیات با موفقیت اجرا شد و هدف های مشخص شده به دست آمد. در این پیروزی عوامل مهمی نقش داشتند:

عوامل موفقیت عملیات

ایمان و انگیزه متعالی و روحیه شهادت طلبی رزمندگان

ایمان به پیروزی و اعتقاد به اصالت نبردی که بر علیه متجاوز اشغالگر در جریان بود، در صحنه نبرد طریق القدس قدرت و توانایی تعیین کننده ای به رزمندگان داده بود که تا سر حد جانبازی و شهادت قبول خطر کرده و برای آزاد ساختن سرزمین های اشغالی با اتکا به عنایات خداوندی بر دشمن یورش بردند و حماسه ای بزرگ از شهامت و پایمردی در پیکار متجاوزان را برای همیشه از خود به یادگار گذاشتند.

امام خمینی در نخستین واکنش در برابر پیروزی در عملیات طریق القدس، به اصلی اشاره فرمودند که جوهره و باطن تحولات اخیر و پیروزی ها به شمار می رفت و فراتر از پیروزی ظاهری در عملیات بود و از آن به عنوان «فتح الفتوح» نام بردند:

«آنچه برای اینجانب غرورانگیز و افتخارآفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان – که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند – می باشد و این است فتح الفتوح.» [۳۲] .

[صفحه ۴۵]

وحدت فرماندهی

نیاز قاطع و اساسی به هماهنگی تلاش ها و فعالیت های عناصر مختلف تشکیل دهنده ی یک نیرو در عملیات و اجتناب از تفرقه و تشتت تلاش ها در نیل به یک هدف و جلوگیری از لوث شدن مسئولیت ها و حداکثر استفاده از سرعت و قاطعیت در تصمیم گیری ها و هدایت عملیات، از اصول ضروری در یک عملیات نظامی است که آن را اصل «وحدت فرماندهی» نامیده اند.

در نبرد طریق القدس که با مشارکت سپاه پاسداران و نیروی زمینی ارتش اجرا گردید در حالی که دو سازمان نظامی مجزا در آن شرکت داشتند، روش «فرماندهی مشترک» و هدایت و فرماندهی عملیات از یک مرکز واحد، سبب

هماهنگی تلاش های فکری و عملی و در نتیجه موفقیت بارز عملیات گردید.

امام خمینی پس از گذشت سه روز از عملیات در دیدار با گروهی از نظامیان که از بخش های مختلف ارتش و سپاه بودند، ضمن برشمردن آثار جنگ در ایجاد روحیه و تحرک، درباره ی نتایج وحدت ارتش و سپاه و تأثیر آن در کسب پیروزی فرمودند:

«شما می بینید که در هر جایی که سپاه پاسداران و ارتش و سایر قوای مسلح با هم می شوند، پیروزی عظیم نائل می شود.» [۳۳] .

حضور نیروهای مردمی

عملیات طریق القدس دومین تجلی قدرت مردم در کسب پیروزی های بزرگ بود که نتایج حضورشان در جبهه و تفوق آنها در میدان های نبرد نشان دهنده درستی روش در سازماندهی و به کارگیری نیروها بود. شاید بتوان گفت که حضور چشمگیر و نسبتا گسترده نیروهای مردمی در عملیات طریق القدس مهم ترین ویژگی این عملیات بود. آیت الله خامنه ای، رئیس وقت شورای عالی دفاع، در پایان جلسه این شورا در این باره گفت:

«در این عملیات (طریق القدس) نقش بسیار مهم نیروهای مردمی

[صفحه ۴۶]

کاملا آشکار شد، یعنی تراکم نیروی مردمی مشتاق جهاد و شهادت به قدری بود که این نکته به وضوح به چشم می خورد... علاوه بر نیروهای نظامی و ارتشی و سپاه ما در این منطقه که نیروهای زیادی بودند، عمدتا نیروهای بسیج مردمی و جوانان رزمنده ما بودند.» [۳۴] .

سردار غلامعلی رشید در تجزیه و تحلیل سلسله عملیات های آزادسازی مناطق اشغالی، در سمینار مشورتی فرماندهان سپاه در این باره گفت:

«من فکر می کنم ویژگی اصلی عملیات، به کارگیری مردم برای اولین بار در سطحی گسترده بود. وقتی ما ۳۰ گردان برای اولین بار در عملیات طریق القدس وارد عمل کردیم، می توانیم بگوییم

برای اولین بار ما از بسیج مردمی و سپاه به صورت گسترده استفاده کردیم و نتیجه عالی گرفتیم.» [۳۵] .

خلاقیت در طراحی مانور و اتخاذ تاکتیک مناسب در نبرد

تاکتیک ویژه در عملیات طریق القدس، عبور از منطقه تپه های رملی بود که بر پایه خلاقیت، ابتکار عمل و شجاعت نیروهای مردمی و انقلابی طراحی شده بود و نقش اصلی و تعیین کننده ای در کسب پیروزی داشت. دشمن پیش از عملیات، سمت اصلی تک نیروهای خودی را تک جبهه ای با اتکا بر جاده سوسنگرد - بستان پیش بینی می کرد؛ ضمن اینکه درک روشنی از میزان نیروهای شرکت کننده نیز نداشت. لذا، با وجود هوشیاری در مورد اجرای عملیات، از لحاظ تاکتیکی غافل گیر شد. این ویژگی های تاکتیکی سبب شد تا در عملیات طریق القدس پس از پیشروی نیروهای خودی، دشمن بلافاصله از مناطق تصرف شده عقب نشینی کند. سردار محسن رضایی در این زمینه گفت:

«من به برادرها گفتم که اگر ما تنگه ی چزابه را بگیریم و پشت رودخانه کرخه پدافند کنیم، دشمن از این منطقه عقب نشینی

[صفحه ۴۷]

می کند، تقریبا یک هفته، ده روز بعد، دیگر دشمن خودش این جا عقب نشینی کرد.» [۳۶] .

ضربه قاطعی که در این عملیات به لحاظ ویژگی های تاکتیکی بر دشمن وارد شد، نتایج اساسی و استراتژیکی در پی داشت، چنان که بر اثر این ضربه، دشمن تعادل خود را از دست داد و پس از آن دیگر نتوانست این تعادل را بازیابد. درباره ابعاد و ویژگی های این عملیات و نتایج آن، یکی از کارشناسان نظامی غربی می گوید:

«عملیات طریق القدس، نتایج مهم عملیاتی را دربر داشت. با این تلاش وسیع ایرانی ها در جنگ، تا این مرحله، قدرت برنامه ریزی عملیاتی و مهارت های فرماندهی و کنترل شان تا حدود زیادی افزایش

یافت. در واقع، این عملیات بیانگر لیاقت ایرانی ها در ایجاد و کنترل عملیات نظامی مختلف، در سطح وسیع بود. ثانیا پاتک بستان، ایران را قادر ساخت برای نخستین بار با موفقیتی چشمگیر، تاکتیک های موج انسانی [۳۷] را - که تاکتیک حاکم بر جبهه های جنگ شد - به مرحله آزمایش درآورد.» [۳۸] .

در واقع نتایج ناشی از حضور مردم در صحنه نبرد و تبیین استراتژی جدید در جنگ به تحقق شیوه جدیدی از جنگ انجامید که غربی ها از آن بیشتر به عنوان، «تاکتیک موج های انسانی» نام می برند. تاکتیکی که در مرحله آزمایش با موفقیت چشمگیری همراه شد. این ملاحظات سبب شد تا نقش سپاه و نیروهای مردمی در روند جنگ از جایگاه بالایی برخوردار شده و موقعیت سپاه در جنگ تثبیت شود.

آنتونی کردزمن کارشناس نظامی امریکایی، درباره تاکتیک این عملیات و تأثیر آن در روند جنگ، نوشته است:

«عملیات طریق القدس از لحاظ تاکتیکی هیچ تفاوتی با عملیات گذشته ایرانیان نداشت، با این حال فرماندهان سپاه پاسداران و

روحانیون متقاعد شدند که پاسداران می توانند بدون طرح ریزی های پیچیده نظامی و پشتیبانی ارتش، از طریق حمله مستقیم و با استفاده از احساسات مذهبی در جنگ پیروز شوند.» [۳۹] .

در حالی که پیروزی در عملیات حاصل پیچیدگی طرح و عملیات و ویژگی تاکتیکی آن بود و همین مسئله به غافل گیری دشمن انجامید، کردزمن با نگاهی مغرضانه، این ابعاد را انکار می کند. در این حال، ویلیام اف هیکمن - یکی از فرماندهان نیروی دریایی امریکا - استفاده از نیروی پیاده را یک تغییر استراتژیکی عمده نام نهاده و نوشته است:

«در این عملیات که ایرانی ها آن را عملیات طریق القدس نام گذاری کردند، یک

تغییر استراتژیکی عمده به چشم می خورد. ایرانی ها به استراتژی استفاده از نیروهای پیاده و سرمایه گذاری روی احساسات آنها، جهت غلبه بر کمبود تجهیزات نظامی روی آورده اند.» [۴۰] .

بدین ترتیب، علاوه بر شکل گیری تاکتیک جدید عملیاتی و بلوغ و تکامل آن، ذهنیت و باورهای غلط دشمن درباره ی توان نیروهای خودی نیز درهم ریخت، طوری که برای ادامه ی حضور در مناطق اشغالی دچار تردید شد و برای تصمیم گیری در این زمینه نیاز به زمان داشت. حمله دشمن به پل سابله و سپس عقب نشینی از شمال رودخانه نیسان، به اعتقاد برخی از صاحب نظران نظامی، نخستین تحول در باور و نگرش دشمن بود که ظاهر شد، ولی فرماندهی دشمن زمانی توانست در این مورد تصمیم بگیرد که بخش گسترده ای از توان نظامی اش منهدم شده بود و به ناچار شکست سنگینی را پذیرفت.

همچنین تدبیری که برای حمله به نیروهای دشمن اتخاذ گردید، تهاجم به عمق مواضع عراقی ها در رده های دوم و سوم پدافندی بود که همزمان با هجوم به خط مقدم انجام پذیرفت طوری که نیروهای دشمن فرصت حرکت دادن و جابه جایی نیروهای در عمق خود را

[صفحه ۴۹]

پیدا نکردند و این مهم به نحو احسن در محور شمال کرخه انجام شد.

رعایت اصل صرفه جویی در قوا و تمرکز نیرو

زمانی که عملیات طریق القدس به عنوان تلاش اصلی نیروهای خودی در منطقه خوزستان طرح ریزی می شد، با توجه به وضعیت توان رزمی، تقدم همه تلاش ها به این عملیات داده شد و در سایر مناطق حداکثر صرفه جویی در کاربرد یگان ها به عمل آمد. همچنین پس از طراحی مانور و برآورد نیروی لازم و متناسب برای عملیات و مشخص کردن مأموریت هر یک از یگان های عمده مانوری، تلاش شد که توان

رزمی برتر نسبت به دشمن در زمان و مکان قطعی فراهم شود، از این رو فرماندهان پس از انتخاب جبهه مرکزی به عنوان منطقه نبرد، متناسب با وضعیت دشمن، اقدام به تمرکز قوا کردند که مهم ترین آنها بسیج نیروی مردمی در این منطقه و اختصاص حداکثر تلاش های توپخانه، هوانیروز، نیروی هوایی، و جهاد سازندگی به این عملیات بود. علاوه بر آن، یک تیپ زرهی از منطقه شوش به غرب سوسنگرد انتقال یافت و در احتیاط قرار گرفت.

به طور خلاصه، وارد عمل کردن ۴ تیپ پیاده، ۴ تیپ زرهی، ۲ توپخانه لشکری تقویت شده، یک گروه توپخانه و اختصاص حداکثر تلاش های پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی به این منطقه در حد مقدورات موجود، اقداماتی بود که به منظور تحصیل قدرت رزمی برتر نسبت به دشمن انجام گرفت و اصل تمرکز قوا در حد توانایی نیروهای مسلح، در نبرد طریق القدس رعایت گردید.

رعایت اصل غافل گیری

مهم ترین عامل غافل گیری در این نبرد، استفاده از زمین های رملی برای تک به جناح و عقبه دشمن بود و این تک جناحی عامل سرنوشت ساز و تعیین کننده این نبرد بود. در بحث تدبیر و تمهیدات دفاعی فرماندهان عراقی گفته شد که دشمن از حمله قریب الوقوع رزمندگان در این منطقه آگاه بود اما خطری را که از سمت زمین های رملی تهدیدش می کرد،

[صفحه ۵۰]

پیش بینی نمی کرد.

شاید بتوان گفت که حفظ اسرار عملیاتی به طور کامل و اختفاء حرکات به عنوان عوامل غافل گیری به صورت کیفی در این عملیات به کار گرفته شد و دشمن با غفلت و عدم رعایت تأمین، امکان غافل گیر شدن خود را فراهم کرد. به هر حال، بهره گیری از نقاط ضعف دشمن در

صحنه نبرد برای اغفال او مهم ترین عاملی است که همواره باید مورد توجه طراحان عملیات و فرماندهان باشد.

البته هر چند در جنوب کرخه موفق به غافل گیر کردن دشمن نشدیم، اما عملیات پیروزمندانه در شمال کرخه در فعالیت و اقدامات دشمن در جنوب کرخه نیز تأثیر گذاشت و در نهایت دشمن مجبور به عقب نشینی شد.

بنابراین با بهره برداری از غفلت و سهل انگاری دشمن در تأمین جناح خود، با غافل گیر کردن دشمن در زمان و مکان مناسب، نیروهای خودی اصل غافل گیری را رعایت کردند و بدین ترتیب پیش بینی ها و طرح های ارتش عراق را در واکنش مناسب و به موقع در مقابله با تک خودی خنثی کردند. گفتنی است که در این نبرد دشمن می توانست با اختفای حرکات خود و رعایت اسرار عملیاتی و اقدامات فریبنده، قوای خودی را غافل گیر و به جنوب نیسان عقب نشینی اختیاری نماید.

نتایج و نکات آموزشی عملیات طریق القدس

عملیات طریق القدس حاوی نکات آموزشی و تجربیات مهمی بود، از جمله:

۱- امکان جبران برتری هوایی و دیده بانی دشمن با استفاده از تاریکی و عملیات در شب.

۲- امکان جبران برتری آتش توپخانه دشمن با استفاده از غافل گیری و تک به مواضع توپخانه دشمن در ابتدای نبرد.

۳- امکان جبران برتری زرهی دشمن با استفاده از پیاده نظام ورزیده و متهور مجهز به جنگ افزار ضد تانک انفرادی و استفاده

[صفحه ۵۱]

صحیح از زمین و امکانات پیاده نظام.

۴- قابلیت و اهمیت کاربرد جالب توجه سلاح های سبک ضد تانک.

۵- اهمیت پیاده نظام ورزیده در ایجاد شکاف در مواضع و بین نیروهای دشمن.

۶- استفاده از شیوه جنگ الکترونیک، ارزش و اهمیت پست های استراق سمع.

۷- استفاده از قدرت بسیج مردمی برای بالا بردن توان رزمی.

۸- قدرت و توانایی عظیم

نیروهای مردمی و نقش سرنوشت ساز و تعیین کننده آنها در عملیات.

۹- جلب نظر مردم برای پشتیبانی از جنگ.

۱۰- اهمیت و ارزش شناسایی و اطلاع کامل از وضعیت زمین تا پائین ترین رده.

۱۱- اهمیت سرعت عمل.

۱۲- اتکاء محض به استحکام مواضع برای پدافند از آن کافی نبوده و انگیزه و اعتقاد که سبب تهور و شجاعت می شود، ضرورتی اصلی و اساسی است.

۱۳- اهمیت رعایت اصول جنگ که نشان می دهد بی اعتنایی به هر کدام از این اصول ممکن است نتایج شومی به بار آورد.

۱۴- ضرورت اجرای عملیات استفاده از موفقیت برای بهره گیری کامل از تک و وصول به اهداف اساسی و تعیین کننده.

[صفحه ۵۲]

بازتاب عملیات طریق القدس

بعد از دو شکست پی درپی و سنگین ارتش عراق در دو عملیات ثامن الائمه (ع) و طریق القدس، انتظار می رفت تغییراتی در رویکرد محافل سیاسی و خبری در انعکاس اخبار مربوط به جنگ و توانایی های جمهوری اسلامی ایران مشاهده شود، اما در موضع گیری رسانه های منطقه و غرب تغییری صورت نگرفت و جنگ روانی و تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ادامه یافت و حتی سناریوهای جدیدی برای تضعیف و در انزوا قرار دادن ایران طرح ریزی کردند. از جمله متهم کردن ایران به پرورش تروریسم و دخالت در امور کشورهای منطقه. در این خصوص وزارت کشور دولت بحرین با انتشار بیانیه ای خبر از دستگیری تعدادی افراد مسلح از اتباع کشورهای عربی و ایران داد که قصد خرابکاری داشته اند. در این بیانیه ی سؤال برانگیز بدون آن که ذکری از افراد دستگیر شده و نام سایر کشورها برده شود، صرفا به ایران اشاره شده و حتی تأکید شده که افراد گروه فوق در ایران آموزش تروریستی می دیدند. بدین ترتیب سوژه

مناسبی برای تحت الشعاع قرار دادن پیروزی های ایران و شکست عراق و همچنین تحریک احساسات و افکار عمومی مردم کشورهای منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده شد. در پی آن رادیو اسرائیل نیز گفت:

«دولت بحرین اقدام حکومت جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر اعزام تروریست به آن کشور به شدت مورد اعتراض قرار داد.» [۴۱] .

آسوشیتدپرس نیز در گزارشی به نقل از نشریات بحرین گزارش داد که بازداشت شدگان اعتراف کردند که برای انجام دادن اقدامات خرابکارانه ضد بحرینی، در ایران تعلیم دیده اند. [۴۲] همچنین رادیو لندن به نقل از نشریات عربستان گفت:

«عربستان هدف جوخه های تروریستی است که در ایران آموزش دیده اند.» [۴۳] .

حتی گروه تروریستی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که رهبر و تعدادی از اعضای ارشد آن به تازگی از فرانسه رانده و به عراق عزیمت کرده

[صفحه ۵۳]

بودند، همسو با تبلیغات کشورهای عرب و غرب با انتشار بیانیه ای ادعا کردند که حکومت ایران گروه های تروریستی تربیت می کند و آنها را به نقاط مختلف از بیروت تا پاریس می فرستد. [۴۴] به رغم واکنش مقام های تهران و برخی سفیران ایران در کشورهای منطقه به این تلاش های تبلیغاتی و اعلام اینکه این داستان ساختگی است و تصریح کردند که دولت ایران هیچ دخالتی در این دسیسه ها نداشته و ندارد و همه اینها برای خنثی سازی پیروزی های ایران و شکست نیروهای عراقی صورت گرفته است اما موج تبلیغاتی با شتاب و شدت فراوانی علیه جمهوری اسلامی ادامه یافت و حتی وزیر کشور بحرین اعضای شورای همکاری خلیج فارس را دعوت به تشکیل نیروی واکنش سریع کرد که بی درنگ کشورهای عربستان و کویت از آن استقبال کردند. وزیر کشور

عربستان نیز در اظهاراتی ایران را متهم به خرابکاری در بحرین کرد و گفت:

«ما از مدت ها پیش از این مطلب اطلاع داشتیم لذا مایلم اعلام کنم که پادشاهی سعودی همواره با تمام قدرت امنیت و ثبات بحرین را حفظ خواهد کرد.» [۴۵] .

در پی انتشار این سناریو، موضوع قوت گرفتن دخالت امریکا در امور ایران و تلاش این کشور برای تشکیل نیروی واکنش سریع، محور بحث محافل سیاسی و نظامی و از عنوان های اصلی خبر رسانه ها شد.

روزنامه ساندی تایمز چاپ لندن از طرح سری امریکا برای مداخله نظامی در سرزمین های جنوب ایران و کشورهای دیگر نظیر پاکستان، ترکیه، کشورهای خلیج فارس و... در صورت لزوم خبر داد. مفسر ساندی تایمز یادآورد شد که امریکا زمانی این طرح را به اجرا می گذارد که پرزیدنت ریگان اوضاع را تا حد کافی خطرناک بداند [۴۶] .

فرمانده نیروهای واکنش سریع امریکا نیز اعلام کرد که به ستاد مشترک ارتش امریکا پیشنهاد داده است تا در یکی از کشورهای عربی یک مرکز فرماندهی دائمی برای نیروی واکنش سریع ایجاد شود. وی گفت در این مرکز ۲۰۰ افسر فعالیت خواهند کرد. ضمن آنکه پیشنهاد تأسیس هفت پایگاه نظامی در پنج کشور مختلف منطقه تأکید شده است [۴۷] .

[صفحه ۵۴]

به رغم همه ی این تلاش ها، پیروزی رزمندگان اسلام چنان مهم بود که رسانه ها نتوانستند آن را کتمان کنند، لذا با گذشت چند روز از عملیات، به صورت بسیار کمرنگ و دو پهلو به درج اخبار پیروزی های ایران پرداختند. خبرگزاری فرانسه آزادسازی بستان را نشانه بروز شکاف در جبهه های مختلف عراق ذکر کرد و گفت:

«این یک واقعیت است که تصرف بستان (که بغداد

آن را تکذیب کرده است) در ۱۲ کیلومتری مرز ایران و عراق و پیشروی ایران در این منطقه، اهمیت استراتژیک و روانی بسیاری دارد زیرا، اولا بستان نزدیک ترین شهر ایران به مرز عراق است، در ثانی اگر قوای ایران (چنانکه ادعا می کنند) در این منطقه موضع بگیرند خطوط جبهه عراقی به دو نیم تقسیم می شود.» [۴۸] .

رادیو لندن نیز با بیان ادعای عراقی ها در ابتدای گزارش خود، سعی کرد پیروزی ایران را موقتی جلوه دهد. گزارش این رادیو چنین است:

«عراقی ها می گویند که ایرانیان تلفات سنگینی داده اند، اما تا پریروز دولت ایران می گفت به بزرگترین پیروزی جنگ دست یافته است.» [۴۹] .

رادیو امریکا نیز بدون اشاره به اهمیت پیروزی ایران گفت:

«مقامات مسئول عراقی اقرار کردند که نیروهای ایرانی دست به حمله ای در منطقه بستان زده اند ولی نگفتند که مطمئنا می توانند جلو این حمله را بگیرند.» [۵۰] .

خبرگزاری کویت هم با استناد به گزارش یک فرمانده عراقی و به نقل از تلویزیون بغداد گزارش داد:

«ارتش عراق در این درگیری ها ضایعات فراوانی به نیروهای ایران وارد کرده و برتری خود را در این منطقه نشان داده است... زیرا با اجرای یک ضد حمله توانسته تانک و سربازان ایرانی را از هم بپاشد و تعداد زیادی از سربازان ایرانی را به اسارت بگیرد.» [۵۱] .

گزارش خبرگزاری فرانسه نیز از عملیات طریق القدس چنین است:

«برای یک خارجی بسیار مشکل است تا نظر درستی راجع به

[صفحه ۵۵]

آنچه از هشت روز قبل در صحنه جنگ می گذرد، بدهد. مقامات رسمی عراق در این مورد سکوت کرده اند و وسائل خبری اطلاعات کمی را در اختیار می گذارند. چنین معلوم است که جنگ سختی در اطراف

سوسنگرد در جریان است ولی هیچ چیز خبرهای ایران مبنی بر عقب راندن نیروهای عراقی تا امروز را تأیید نمی کند.» [۵۲] .

این خبرگزاری در حالی که در خبر مذکور سعی در غیر واقعی جلوه دادن گزارش های ایران دارد، در گزارش دو روز بعد خود اعلام کرد:

«بنا به اظهار ناظران نظامی، عراقی ها به شدت مقاومت می کنند و تاکنون به طور موقت توانسته اند جلوی پیشروی ایران را بگیرند.» [۵۳] .

خبرگزاری فرانسه پس از آشکار شدن پیروزی ایران در عملیات طریق القدس، این موفقیت را موجب ایجاد ابهام بیشتر در سرنوشت جنگ اعلام کرد:

«در حدود دو هفته نیروهای ایرانی در ناحیه ی مرکزی مرز سوسنگرد تا مرز پیش رفته اند. این حادثه بزرگی است، زیرا نوار تصرف شده توسط عراقی در طول نوار مرزی، قطع شده و خاک عراق در ناحیه العماره عملا آسیب پذیر شد... (تأثیر این پیروزی) سرانجام جنگ را کمتر قابل پیش بینی می کند زیرا طرفین همچنان امتیازهایی را در دست خواهند داشت.» [۵۴] .

روزنامه هرالدتریبون چاپ لندن نیز نه تنها اخبار پیروزی های ایران را مبهم تلقی می کند، بلکه بیشتر به برتری نیروهای عراقی و کمک کشورها به عراق و خریدهای تسلیحاتی این کشور به عنوان نقطه قوت اشاره کرده و نوشته است:

«تأیید و یا تکذیب گزارش های طرفین درگیر درباره عملیات نظامی خویش به هیچ وجه امکان پذیر نمی باشد، زیرا نه تنها حکام جمهوری اسلامی بلکه رهبران عراق نیز از عزیمت خبرنگاران خارجی بی طرف جلوگیری می کنند. با این همه، منابع آگاه تأکید کرده اند که ظرف چند هفته گذشته قدرت نیروی هوایی عراق در مقایسه با ماه های نخست جنگ افزایش یافته است و به همین دلیل

[صفحه ۵۶]

جنگنده های عراقی در فاصله ای کمتر از

سه هفته چند بار پایگاه های حساس جنوب ایران را بمباران کرده اند.»

به نوشته هرالدتریبون دولت فرانسه اخیرا ۲۵ فروند جنگنده میراژ در اختیار عراق قرار داده است. گزارش های تأیید شده ثابت می کند که دولت شوروی نیز ارسال سلاح های سنگین به رژیم بغداد را از سر گرفته است. گزارشگر نشریه هرالدتریبون افزوده است:

«در حال حاضر حدود ۲۰۰ هزار مایل مربع از سرزمین ایران در اشغال نیروهای عراقی است و گفته می شود که ارتش عراق امکانات وسیعی را از جمله بسیج دو میلیون نفر برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی در اختیار دارد... با توجه به اعلامیه های ضد و نقیض جمهوری اسلامی و عراق، به هیچ وجه نمی توان سرنوشت جنگ دو کشور همسایه را پیش بینی کرد به ویژه که چند کشور عربی آمادگی خود را برای کمک مالی به عراق اعلام کرده اند. به عنوان مثال به زودی کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی هر یک مبلغ دو میلیارد دلار در اختیار رژیم بغداد قرار خواهند داد.» [۵۵] .

خبرگزاری فرانسه نیز با اشاره به تغییر رویکرد شوروی در مورد جنگ ایران و عراق، گزارش داد:

«شوروی که از ابتدای جنگ اعلام بی طرفی کرده بود، اکنون از موضع خود خارج شده و جانب عراق را گرفته است. به طوری که هواپیماهای عظیم آنتونوف ۲۲ با ظرفیت مفید هشتاد تن و تنها هواپیمای قابل حمل تانک های تی ۲۶ و تی ۷۲، که در پل هوایی جنگ اکتبر ۷۳ مصر و در سال ۱۹۷۹ در افغانستان درخشیده بودند، اکنون در آسمان عراق دیده می شوند. بر اساس اظهارات ناظران متخصص، این هواپیماها سریعا برای ارتش عراق وسایل سنگین ضروری برای ضد حمله را حمل می کنند. علاوه

بر این، بنا به گزارش منابع دیپلماتیک، شوروی تحویل میگ های ۵۲ به عراق را تسریع کرده و همچنین تحویل تانک های تی ۶۲ و تی ۷۲ را از سر گرفته است.» [۵۶] .

[صفحه ۵۹]

پیام امام خمینی به مناسبت پیروزی عملیات طریق القدس

۱۳۶۰ / ۹ / ۸

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای حاج سید علی خامنه ای رئیس جمهوری محترم اسلامی ایران؛ تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ سرکار سرهنگ علی صیاد شیرازی فرمانده ی نیروی زمینی؛ جناب آقای محسن رضایی فرمانده ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم.

تلگراف های شریف که بشارت پیروزی قوای مسلح شجاع را بر قوای شیطان امریکایی صدامیان که با هجوم ظالمانه ی خود فتح قادسیه را به مغزهای تهی از ایمان به غیب وعده می دادند، واصل گردید. اتکا به مسلسل و تانک، و غفلت از خداوند قادر و جنود الهی، انسان ها را به ورطه ی هلاکت و فضاحت می کشاند.

آنان که رمز پیروزی را مجهز به جهاز شیطانی و «میگ»ها و «میراژ»ها می دانند و ایمان به غیب و خداوند قادر را به حساب نمی آورند و دم از پیروزی قادسیه می زنند و رمز پیروزی قادسیه و مؤمنان صدر اسلام را باز نیافته اند و قدرت ایمان و شهادت طلبی را نمی فهمند، باید با شکست مفتضحانه روبه رو شوند و گوشمالی الهی ببینند. اینان از پیروزی های صدر اسلام - که پیروزی ایمان و خون بر شمشیر و قوای جهنمی بود- باید عبرت بگیرند. مردم ایران و ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای نظامی و غیر نظامی برای حفظ اسلام و کشور اسلامی و رسیدن به لقاءالله دفاع می کنند، و فرق است بین این عزیزان و آن گولخوردگان که برای

مقاصـد پلیـد امریکـا و وابسـتگان آن بـه جنـگ بر ضـد اسـلام و قرآن مجیـد برخاسـته انـد. آنچـه برای اینجـانب غرورانگیز و افتخارآفرین است روحیه ی بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شـهادت طلبی این عزیزان - که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم - ارواحنا فـداه - هسـتند، و این است فتـح الفتوح. من به ملت بزرگ ایران و به فرمانـدهان شـجاع قبل از آنکه پیروزی شرافتمندانه و بزرگ

[صفحه ۶۰]

خوزسـتان را تبریک بگویم، وجود چنین رزمنـدگانی را که در دو جبهه ی معنوی و صوری و ظاهر و باطن از امتحان سـرافراز بیرون آمده اند، تبریک می گویم.

مبـارک باد بر کشور عزیز ایران و بر ملت شـریف، رزمنـدگانی چنین قدرتمنـد و عاشـقانی چنین محو جمال ازلی و سـربازانی چنیـن دلبـاخته کـه شــهادت را آرزوی نهـایی خـود و جانبـازی در راه محبـوب را آرمـان اصـیل خـویش می داننـد. افتخـار بر رزمنـدگانی که جبهه هـای نبرد را بـا مناجـات خویش و راز و نیاز با محبوب خود عطرآگین نمودنـد. فخر و عظمت بر جوانان عزیزی که در راهی قدم برداشـته و پاسداری از مکتبی می کنند که شکست ناپذیر و سر تا پا پیروزی است. و ننگ بر آنان که در راهی جان خود را هدر می دهند و عرض و آبروی خود را می برند که پیروزیشان شکست و زندگیشان ننگ آفرین است.

اینجانب از فرماندهان محترم و رزمندگان عزیز قوای مسـلح نظامی و انتظامی، ارتش و سـپاهی و بسیج مستضعفان و ژاندارمری و شـهربانی و عشایر محترم و نیروهای نامنظم و مردمی تشـکر و قـدردانی می کنم. درود بر شـما و همه آنان که برای اسـلام و کشور عزیز خود حماسه می آفرینند. از خداوند تعالی پیروزی نهایی

رزمندگان اسلام و سلامت و سعادت همگان را خواهانم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

پاورقی

[۱] محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۹ / ۴ / ۱۳۷۴.

[۲] همان.

[۳] سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «بخشی از تحول در روند جنگ متأثر از همکاری ارتش و سپاه بود. پیش از این، فضای سیاسی حاکم بر کشور و جنگ مانع از همکاری حقیقی و واقعی بود ولی با تغییر شرایط کشور، ارتباط تصنعی جای خود را به ارتباط متناسب با توان و قابلیت ها داد به همین دلیل نتیجه این وضع سبب افزایش توان نظامی جمهوری اسلامی شد.»

(محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۲۷ / ۴ / ۱۳۷۴).

[۴] در کتاب دفاع مقدس از انتشارات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، صفحه ی ۱۳۰ در این زمینه آمده است: «در پایان سال اول تهاجم عراق لزوما با قبول ریسک و تقلیل یگان ها در مناطق پدافندی و تمرکز نیروی نسبتا مناسب از یک طرف و مشارکت کامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با سازمان دهی یگان های تیپی و لشکری از طرف دیگر، سلسله عملیاتی با نام کربلا طرح ریزی و اولین آن با نام کربلای ۱ یا طریق القدس در جبهه میانی صحنه عملیات خوزستان با موفقیت اجرا و...».

[۵] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، گذری بر ۲ سال جنگ (سپاه پاسداران ۱۳۶۱)، ص ۱۱۴.

[۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۱۶، ۱ / ۸ / ۱۳۶۰.

[۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه،

نشریه شماره۲۲۱، ۶ / ۸ / ۱۳۶۰،ص ۱۶.

[۸]

خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۱۷، ۲ / ۸ / ۱۳۶۰، ص ۱۴.

[۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره۲۵۶، ۱۱ / ۹ / ۱۳۶۰، ص ۱۱.

[۱۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره۲۱۹، ۴ / ۸ / ۱۳۶۰، ص ۸ و ۱۳.

[۱۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۶۲، ۱۷ / ۹ / ۱۳۶۰، ص ۸.

[۱۲] مأخذ شماره ۳ – ص ۲.

[۱۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره۲۲۴، ۹ / ۸ / ۱۳۶۰، ص ۶.

[۱۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۴۹، ۴ / ۹ / ۱۳۶۰، ص ۷ و نشریه شماره ۲۵۵، ۱۰ / ۹ / ۱۳۶۰، ص ۱۳، و سند شماره ۲۰۲۱۶۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۲ / ۹ / ۱۳۶۰.

[۱۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۱۸، ۳ / ۸ / ۱۳۶۰، ص ۲۰.

[۱۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۴۸، ۳ / ۹ / ۱۳۶۰،ص ۱۳.

[۱۷] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اطلس دشت آزادگان در جنگ، ۱۳۸۱، ص ۳۶.

[۱۸] نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، دفاع مقدس، اسفند ۱۳۷۱، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

[۱۹] همان.

[۲۰] سند مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: طرح برآورد اطلاعاتی عملیات طریق القدس، ص ۲۵.

[۲۱] همان.

[۲۲] همان.

[۲۳] سند شماره ۳۵۲۲۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

[۲۴] سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «هدف از عملیات طریق القدس این بود که مابین جبهه دزفول (غرب کرخه) و جبهه اهواز (جنوب غرب اهواز – غرب کارون) فاصله بیندازیم و در حقیقت تدارک رسانی سریع دشمن را از این دو جبهه طولانی کنیم...»

(سرلشکر محسن رضایی، درس های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و

ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵).

[۲۵] مأخذ شماره ۳، ص ۱۱۸ و ۱۱۹، و مأخذ شماره ۱۸، ص ۵۰.

[۲۶] طرح برآورد وضعیت عملیاتی، طرح کربلای ۱، ۲۵ / ۹ / ۱۳۶۰، ص ۶.

[۲۷] گزارش قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، ص ۳.

[۲۸] همان.

[۲۹] همان.

[۳۰] لازمه اجرای این تاکتیک، شناسایی عمق منطقه و دشمن بود که در برابر تدبیر فرماندهی کل سپاه انجام گرفت. سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «ما این جا تقریبا به آن تاکتیک حضرت امیر - سلام الله علیه - در غزوه خیبر عمل کردیم: یعنی آمدیم از داخل رمل هایی که تقریبا احتمال داشت افراد از تشنگی هلاک شوند، نیروها را عبور دادیم.».

[۳۱] در این محور قرار بود ابتدا نیروهای سپاه وارد عملیات شوند و پس از انهدام دشمن و پاک سازی منطقه، نیروهای ارتش برای پشتیبانی از تک وارد عملیات شوند. گفتنی است که در برآورد قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی از وضعیت طرح کربلای ۱، پس از ذکر محاسن و معایب طرح آمده است: «منطقی است اگر بپذیریم که پیروزی در این طرح چنان مزیت تاکتیکی و برتری نسبت به دشمن که مورد نظر است، به ما نخواهد داد که توان دشمن را برای ادامه جنگ درهم شکند.» بر همین اساس، پیشنهاد شد که نیروهای خودی، دشمن را در منطقه دیگری نیز مشغول کنند تا دشمن مجبور شود تلاش های خود را برای مقابله با این خطر به دو جبهه اختصاص دهد.

[۳۲] وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد ۱۵ (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی)، ص ۲۳۵.

[۳۳] همان، ص ۲۴۴.

[۳۴] انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه ها، سال ۱۳۶۰ (چاپ اول: ۱۳۶۶)، ص ۳۹ و ۴۰.

[۳۵] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه تاریخ جنگ شماره ۱۱، آبان ۱۳۷۴، ص ۳۲.

[۳۶] مأخذ شماره ی ۱.

[۳۷] استفاده از اصطلاح «تاکتیک های موج انسانی» برای نخستین بار در این عملیات به کار گرفته شد. در واقع استراتژی جدید ایران با تکیه بر نیروهای پیاده شهادت طلب، منجر به استفاده از این عنوان شد. به نظر می رسد عدم درک روشن از ماهیت استراتژی و تاکتیک های جدید جمهوری اسلامی، در به کار بردن این لفظ مؤثر بوده است.

[۳۸] افرایم کارش، «جنگ ایران و عراق، یک تحلیل نظامی»، ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷.

[۳۹] آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، ص ۱۴۶ (منتشر نشده).

[۴۰] ویلیام اف هیکمن، «ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده در سال ۱۹۸۲»، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

[۴۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۶۹، ۲۴ / ۹ / ۱۳۶۰، ص ۲۲.

[۴۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۷۰، ۲۵ / ۹ / ۱۳۶۰، ص ۱۲.

[۴۳] همان، ص ۲۰.

[۴۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۹ / ۹ / ۲۷۴،۱۳۶۰، ص ۱۴.

[۴۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۷۵، ۳۰ / ۹ / ۱۳۶۰، ص ۹.

[۴۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۶۸، ۲۳ / ۹ / ۱۳۶۰، به نقل از رادیو مسکو.

[۴۷] مأخذ ۳۹، ص ۹.

[۴۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۵۵، ۱۰ / ۹ / ۱۳۶۰، ص ۳.

[۴۹] مأخذ

شماره ۷، ص ۱۱.

[۵۰] مأخذ شماره ۷، ص ۱۲.

[۵۱] مأخذ شماره ۹، ص ۲.

[۵۲] مأخذ شماره ۹، ص ۱۳.

[۵۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش های ویژه، نشریه شماره ۲۶۴، ۱۹ / ۹ / ۱۳۶۰، ص ۳.

[۵۴] مأخذ شماره ۴۱، ص ۴۴۹.

[۵۵] مأخذ شماره ۳۴، ص ۲۵.

[۵۶] مأخذ شماره ۴۶، ص ۱۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹